

# نبرد خلق

کارگران همه کشورها  
متحد شوید

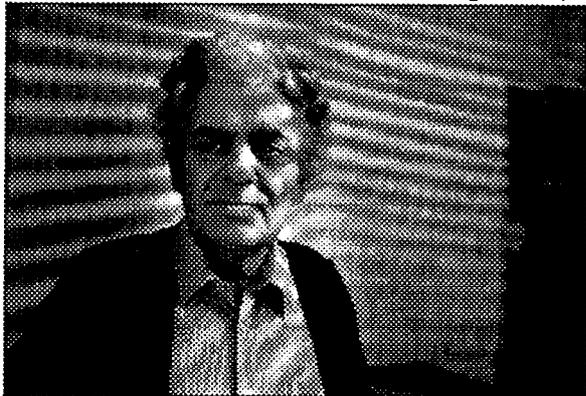
به یاد جانباختگان  
قتل عام زندانیان  
سیاسی در تابستان ۶۷

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

آمریکا کانادا ۱ دلار، آلمان ۲ مارک، فرانسه ۷ فرانک  
NABARD - E - KHALGH No 183, 22 Aug 2000

شماره ۱۸۳ دوره چهارم سال هفدهم - اول شهریور ۱۳۷۹  
\$ 1 . 2 DM . 7 Fr

## در سوگ احمد شاملو



© Photo: KEZA - Germany / 21 Oct. 1988  
www.webistan.com

عکس: رضا فنی

اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
به مناسبت درگذشت احمد شاملو

پیام تسلیت مسئول شورای ملی مقاومت به مناسبت درگذشت  
شاعر بلند آوازه ی ایران احمد شاملو

سخنرانی منوچهر هزارخانی در گردهمایی پاریس و در بزرگداشت  
بزرگمرد فرهنگساز، احمد شاملو

دیدگاهها در مورد احمد شاملو

- مبارز خستگی ناپذیر علیه امپریالیسم و ارتجاع
- پرواز را به خاطر بسیار، پرنده مردنی ست
- مرگ شاملو طلوع بی غروب «بامداد»
- شکیبایی و شهامت در جدال با شیادی شیوخ

در صفحه های ۳ تا ۷

## یادداشت سیاسی ماه

نمی توانم زیبا نباشم  
عشوه بی نباشم در تجلی جاودانه.

چنان زیباییم من  
که گذرگاهم را بهاری نابخویش  
آذین می کند:

در جهان پیرانم  
هرگز

خون  
عریانی جان نیست

و کبک را  
هراسناکی سرب

از خرام  
باز  
نمی دارد.

چنان زیباییم من  
که الله اکبر

وصفی ست ناگزیر  
که از من می کنی.  
زهری بی پادزهرم در معرض تو.

جهان اگر زیباست  
مجیز حضور مرا می گوید. -

ابلهای مردا  
عدوی تو نیستم من  
انکار توام.

## اخبار کارگری -

- اعتصاب در شرکت توسعه نیشکر
- بیکاری بیش از ۸ هزار پزشک
- اعتراض کارگران کارخانه آهک صنعتی لرستان
- ۲۳ میلیون زیر خط فقر

در صفحه ۹

— مهدی سامع  
در ماه گذشته رویدادهای  
سببی در ایران اتفاق افتاد که  
منعکس کننده جنبه های مختلف  
تحولات در حال وقوع در جامعه  
ماست. در ابتدای این ماه جامعه  
جهانی یکی از بزرگترین  
روشنفکران مدافع آزادی و رهایی  
بشریت را از دست داد. احمد  
شاملو، شاعر، نویسنده، محقق،  
اندیشمند و روشنفکر مبارز و  
آزادبخش درگذشت. مراسم  
خاکسپاری او که با شرکت ۱۵۰  
هزار نفر از مردم و به ویژه زنان و  
مردان جوان برگزار شد، نشان داد  
که مردم چگونه از یک پیکارگر راه  
آزادی تجلیل می کنند. سکوت  
سران رژیم از تمامی جناحها و نیز  
طرفداران رژیم سلطنتی سابق،  
جایگاه احمد شاملو در جنبش  
ترقیخواه مردم ایران را برجسته  
کرد. زندگی احمد شاملو، همواره  
با مقاومت، ایستادگی و شوریدگی  
همراه بوده و جامعه جهانی به  
طور عام و مردم ایران و فارسی  
زبانان در سراسر دنیا به طور  
خاص هرگز او را فراموش نخواهند  
کرد.

مرداد ماه، سالروز قتل عام  
زندانیان سیاسی بود. در سال  
۱۳۷۶، خمینی جلالت، پسر از  
نوشیدن جام زهر آتش بس، برای  
انتقام از مردم و جلوگیری از  
خیزش مردمی علیه سیاستهای  
جنگ طلبانه که منجر به شکست  
مفتضحانه اش شده بود، به یک  
قتل عام بزرگ از زندانیان سیاسی  
دست زد. این اقدام جنایتکارانه و  
ننگین موجی از خشم و نفرت در  
جهان و در میان ایرانیان  
برانگیخت. به امید روزی که تمام  
این پرورنده ننگین در مقابل چشم  
جهانیان بازشود. یاد همه ی  
کسانی که در این قتل عام  
وحشیانه جان باختند را گرامی  
می داریم.

بقیه در صفحه ۲

سرنگون باد رژیم استبدادی-مذهبی ولایت فقیه با تمام دسته بندیهای درونی آن  
هرچه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی

## یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

در ماه گذشته خامنه ای با نوشتن یک نامه به کروی بی رئیس مجلس، اقدام به یک مداخله پر هیاهو برای کنترل اوضاع نمود. روز یکشنبه ۱۶ مرداد خامنه ای در نامه ای به کروی اصلاح موادی از قانون مطبوعات را به مصلحت کشور و نظام ندانست و آن را غیر مشروع اعلام کرد. کروی بدون هرگونه نظری خواهی از نمایندگان مجلس ارتجاع این طرح را از دستور مجلس خارج نمود و در مقابل اعتراض بعضی از نمایندگان که مورد نامه ی خامنه ای گفت این یک حکم حکومتی است. قانون اساسی بر ولایت مطلقه فقیه تاکید دارد و ولایت مطلقه هم همین است. بدین ترتیب مجلسی که بعضی خام اندیشان و فرصت طلبان آن را مجلس اصلاحات نام نهاده بودند، موقعیت واقعی خود را به همه نشان داد. واقعیت این است که ولایت مطلقه فقیه و نقش آن در نظام فعلی حاکم بر کشور ما نارای آن چنان حقوقی است که تمام نهادهای به اصطلاح انتخابی دیگر را تحت الشعاع قرار می دهد. کاری که خامنه ای کرده، از نظر مضمون، محتوی و شکل قانون اساسی جمهوری اسلامی، عملی غیر قانونی نیست. ولی فقیه بر طبق قانون اساسی رژیم، فردی فراقانون است. تمام مواد قانون اساسی به جز مواد مربوط به اسلامیت و ولایت قایل تغییر است و بنا بر این هیچ اقدام قانونی برای اصلاح در نظام استبدادی - مذهبی، فعلی میسر نیست. از این نظر نباید هیچ گونه شکی داشت که اقدام خامنه ای اقدامی خلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی نیست آنچه مسلم است جنبه قانونی اقدام سید علی خامنه ای نیست بلکه جنبه عملی آن و نیز چگونگی اراده حاکم بر این اقدام است. خامنه ای و دستگاه قضایی تحت امر او طی چند ماه گذشته دهها نشریه را توقیف کردند. دهها روزنامه نگار را به زندان انداخته و آنان را در بی دادگاهها به حبس محکوم نمودند. نقطه ضعف تصمیم خامنه ای، در قانونی بودن یا

غیر قانونی بودن آن نیست. در جریان تایید نتیجه انتخابات تهران نیز خامنه ای از قدرت فراقانونی خود استفاده کرد و این بار نیز مسلماً بار آخری نخواهد بود که ولی فقیه به چنین اقدامها مبادرت خواهد ورزید. اما این اقدامهای لحظه ای، تدافعی و از سر ناچاری که فاقد یک استراتژی کلان برای کنترل بحران است نمی تواند آب رفته را به جوی بازگرداند. کاندیدا شدن خاتمی برای انتخابات بعدی ریاست جمهوری ارتجاع چالشی بسیار مهمتر از طرح اصلاح قانون مطبوعات برای ولی فقیه به وجود آورده است خامنه ای تنها وقتی می تواند برای کنترل بحران و حفظ سرکردگی اش اقدام جدی نماید که با این جالش برخورد مناسب داشته باشد و حاضر باشد هزینه اقدام خود را بپردازد. استفاده خامنه ای از اختیارات فراقانونی تا هنگامی که در محدوده تنگ اقدامهای لحظه ای و تاکتیکیهای روزانه صورت می پذیرد، نمی تواند دردی از دردهای ولایت خامنه ای را حل کند. چنین به نظر می رسد که خامنه ای قادر به اتخاذ یک سیاست و استراتژی کلان نیست. اگر او می توانست چنین استراتژی و سیاستی را اتخاذ کند، به هیچ وجه نباید فرصت به خاتمی برای اعلام کاندیداتوری می داد. حرفهای هادی مروی معاون اول رئیس قوه قضائیه در روز ۲۴ مرداد که گفت: توقیف مطبوعات نظر کلی قوه قضائیه نیست، بلکه این توقیفها مربوط به استنباط و برداشت قضات دادگاه مطبوعات از قانون است. و این که او اعلام کرد که رئیس قوه قضائیه روند توقیف مطبوعات و روزنامه ها را به مصلحت نمی داند نمونه ای از تزلزل خامنه ای و مریدانش در راهی که پیش گرفته اند می باشد. این ناتوانی رهبر نظام و در نتیجه شکاف غیر قابل علاج در رأس حکومت که سبب تضعیف هر چه بیشتر رژیم شده است، هر روز بیش از روز دیگر تعداد بیشتری از مردم را به راههای رادیکال برای تغییر وضع موجود سوق می دهد و روانشناسی تغییرات رادیکال به مهمترین خصلت جنبشهای مردمی که هر روز با افقی روشن جریان دارد تبدیل می شود.

## تظاهرات مردم در شهر قیر فارس

روز ۹ مرداد، مردم در شهر قیر فارس دست به یک تظاهرات علیه رژیم زدند. دبیرخانه شورای ملی مقاومت طی اطلاعیه ای اعلام کرد که این حرکت اعتراضی در پی آن صورت گرفت که روز شنبه ۸ مرداد، نیروهای سرکوبگر رژیم یک مغازه دار بیگناه به نام عبدالله فرشید را دستگیر نموده و در دادگستری شهر به شدت مورد شکنجه قرار دادند.

متعاقباً روز یکشنبه، مردم شهر در مقابل بخشداری تجمع کرده و با شعارهای مرگ بر خامنه ای و مرگ بر خاتمی نسبت به این جنایت ضد انسانی دست به اعتراض زده و خواهان دستگیری و مجازات عاملان این جنایت شدند. به دنبال دخالت نیروی انتظامی برای سرکوب این حرکت اعتراضی، تظاهرکنندگان به مراکز و ساختمانهای دولتی، از جمله بخشداری و دادگستری و مراکز نیروهای سرکوبگر حمله ور شده و کلیه شیشه های آنها را خرد کرده و کامپیوترها و سایر اموال موجود در این ساختمانها و همچنین شمار زیادی از خودروهای دولتی را به آتش کشیدند.

نیروهای سرکوبگر رژیم که از گسترش تظاهرات به نقاط دیگر شهر به شدت وحشت داشتند به مردم تظاهرکننده حمله نموده و به شلیک گاز اشک آور و تیراندازی مبادرت کردند...

## تظاهرات مردم نیک آباد اصفهان

دبیرخانه شورای ملی مقاومت طی اطلاعیه ای در تاریخ ۱۵ مرداد اعلام کرد، مردم نیک آباد از توابع اصفهان، طی روزهای شنبه و یکشنبه ۹ و ۱۰ مرداد، با برپایی یک تظاهرات ضد حکومتی و سر دادن شعارهای مرگ بر خامنه ای و مرگ بر خاتمی با نیروهای سرکوبگر رژیم درگیر شدند و تعدادی از ساختمانهای دولتی این شهر از جمله ساختمان بخشداری را به شدت تخریب کردند.

این خیرش مردمی ابتدا با تجمع حدود ۵۰۰ نفر از مردم این منطقه در اعتراض نسبت به کمبود شدید آب آشامیدنی آغاز شد. هنگامی که نیروی انتظامی برای متفرق کردن جمعیت خشمگین اقدام به پرتاب گاز اشک آور کردند. تظاهرکنندگان به مقابله با آنها برخاستند و با پیوستن بسیاری از جوانان و دانش آموزان به آنها، دامنه درگیری بالا گرفت. مردم به ساختمانهای دولتی از جمله بخشداری حمله ور شدند خسارات سنگینی به این اماکن وارد آوردند. مردم بخشداری نیک آباد را نیز که دستور سرکوب تظاهرات را صادر کرده بود، به شدت مضروب کردند.

تظاهرات و نا آرامی به مدت دو روز در نیک آباد ادامه یافت. سرانجام مأموران اطلاعات آخوندی و نیروی انتظامی پس از نیمه شب یکشنبه به خانه های مردم هجوم بردند و یازده تن از اهالی را بازداشت کردند. نیروهای سرکوبگر رژیم که از مناطق مختلف به نیک آباد اعزام شده اند، به رغم گذشت چند روز همچنان اوضاع را به شدت تحت کنترل دارند. رژیم آخوندی در وحشت از تکرار ناآرامیها، حتی از تجمع اهالی در میهمانیهای خانوادگی نیز جلوگیری می کند.



تظاهرات در جنوب غرب تهر ان - عکس از روزنامه رسالت

## تظاهرات مردم در جنوب غرب تهران علیه رژیم

شمارههایی علیه استبداد مذهبی حاکم سر دادند. یگانهای ویژه ضد شورش و نیروهای اطلاعاتی و انتظامی و بسیج که از قبل در این منطقه مستقر شده بودند، با شروع تظاهرات وحشیانه به تظاهرکنندگان یورش بردند و حداقل ۴۰ تن از آنان را دستگیر و به زندان منتقل کردند. اسامی شش تن از دستگیر شدگان عبارت است از: مهناز شهیدی، محمد جعفر غریبانی، عباس احمدیان، نریمان باقرپور، علی میرقاسمی و احمد رضا ثباتی.

رژیم آخوندی در هراس از گسترش تظاهرات، به مغازه داران این منطقه اخطار کرده بود که از مغازه های خود خارج نشوند. مأموران نیروی انتظامی و نیروی ویژه ضد شورش با کلاهخود، کتان و تجهیزات کامل، در میدان بهارستان و خیابانهای منتهی به آن مستقر شده بودند. علاوه بر این، دهها دستگاه اتوبوس و مینی بوس و سواری حامل نیروهای سرکوبگر رژیم در خیابانها و کوچه های اطراف در حالت آماده باش به سر می بردند.

تظاهرات جوانان در مرکز تهران در حالی شکل گرفت که وزارت کشور رژیم آخوندی از قبل آن را ممنوع اعلام کرده و تهدید کرده بود که آن را سرکوب خواهد کرد. همچنین همه گروهها و باندهای طرفدار خاتمی پیشاپیش این تظاهرات را به شدت محکوم کرده بودند.

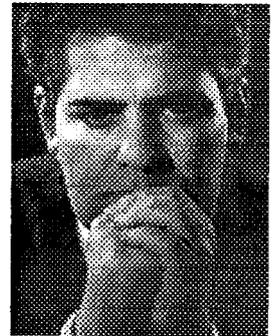
به دنبال اذیت و آزار کسبه و دست فروشان در جنوب غرب تهران، توسط مأموران رژیم، کسبه و مردم محل دست به اعتراض و تظاهرات زدند. این تظاهرات از بعد از ظهر شنبه ۲۲ مرداد تا ساعات اولیه بامداد یکشنبه ادامه داشت. در درگیری با مأمورین رژیم، مردم خشمگین محل، چندین خودروی دولتی را منهدم کردند. بر اساس خبر رسالت ۲۴ مرداد در پی ضرب و شتم یک خانم میانسال و روانه شدن او به بیمارستان بر شدت اعتراض مردم افزوده شد. مأموران رژیم به سرکوب مردم محل پرداختند و تعدادی از آنها را دستگیر کردند دبیرخانه شورای ملی مقاومت طی اطلاعیه ای اسامی دستگیرشدگان را به شرح زیر اعلام کرد:

اصغر کامرانی - محمد مهدوی - اصغر بیابانی - حسین رضائی - عباس دیری - فریده کلهر - مهنا حسینی - مریم حسینی - بهرام بهرامی - اصغر بهرامی - علی باغبانی - عباس کرد

## تظاهرات در میدان بهارستان

دبیرخانه شورای ملی مقاومت طی اطلاعیه ای اعلام کرد که حوالی ساعت ۵ بعد از ظهر ۲۹ مرداد، بیش از ۵ هزار نفر از جوانان و دانشجویان برای اعتراض علیه سرکوب و خفقان در میدان بهارستان در مرکز تهران دست به تظاهرات زدند و

اطلاعیه -

روزگار غریبی است نازنین  
احمد شاملو در گذشت

روزی که هر لب ترانه نیست  
تا کمترین سرود، بوسه باشد  
روزی که تو بیایی، برای همیشه  
و مهربانی با زیبایی یکسان شود  
روزی که ما دوباره برای کبوتر هایمان  
دانه بریزیم  
و من آن روز را انتظار می کشم  
حتی روزی  
که دیگر  
نباشم

احمد شاملو شاعر بزرگ، اندیشمند برجسته و یکی از مدافعان پیگیر آزادی اندیشه و بیان و آزادیهای سیاسی، صبح امروز در بیمارستان ایران مهر درگذشت. شاملو یکی از پرکارترین روشنفکران ایران بود. علاوه بر دهها کتاب شعر و مجموعه ناتمام کتاب کوزه، کارهای زیادی در زمینه ترجمه، داستان نویسی، فیلمنامه نویسی، و... از خود بر جای گذاشته است. احمد شاملو یکی از مبارزان پیگیر دموکراسی، عدالت و آزادی اندیشه و بیان بود. و مسئولیت انتشار بیانیه مشهور، خوشه، کتاب جمعه و... را به عهده داشت. احمد شاملو یک مبارز برجسته علیه رژیمهای سلطنتی و ولایت فقیه‌یی بود و در این زمینه با شعر و مقاله‌های خود بر تمامی اشکال استبداد و ستم مذهبی، جنسی و ملی می‌تاخت. استواری او سبب آن شد که بسیاری از توطئه‌های رژیم استبدادی-مذهبی ولایت فقیه علیه جنبش فرهنگی ترقیخواه ایران نقش بر آب شود. احمد شاملو یک چهره فرهنگی ایرانی بود که در سراسر جهان به عنوان یک پیکارگر راه آزادی اندیشه و بیان و آزادیهای سیاسی شناخته شده بود.

در گذشت احمد شاملو، ضایعه‌ای بزرگ برای جنبش فرهنگی ترقیخواه مردم ایران است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران درگذشت احمد شاملو، برجسته‌ترین شاعر معاصر ایران را به مردم ایران، به جامعه فرهنگی ترقیخواه ایران و به همسر او آیدا و خانواده اش تسلیت می‌گوید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

دوشنبه ۳ مرداد ۱۳۷۹

پیام تسلیت مسئول شورای ملی مقاومت  
به مناسبت درگذشت  
شاعر بلند آوازه‌ی ایران احمد شاملو

دیشب شاعر شاعران، خورشید درخشان آسمان ادب ایران، احمد شاملو دیگر سخن نگفت. هر چند باز هم به هزار زبان در سخن است.

فقدان شاملو را به خانواده او، به مردم ایران، به دستداران فرهنگ و ادب ایران، به همه ادبا و شاعران آزاده و شریفی که همچون شاملو تسلیم رژیم تبهکار آخوندی نشدند، به ویژه به شعرا و نویسندگان مقاومت و بخصوص یار دیرینش منوچهر هزارخانی تسلیت می‌گویم. آنان که پا به پا و جا به جا، هم قیل و هم بعد از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، پشتیبان و مشوق مردان و زنان از خود گذشته‌ای بودند که برای رهایی ایران به پا خاستند و با ایشان جان خویش سنگ بنای جنبش انقلابی را بر زمین میهن ما استوار کردند (نقل از نامه مشتک شاملو و ساعدی و هزارخانی و شماری دیگر از نویسندگان و شعرا به مناسبت سالروز شهادت بنیانگذاران مجاهدین در چهارم خرداد ۱۳۶۰). بی‌گفتگو، شاملو، از بزرگترین شاعران معاصر ایران و جهان است. برای سالیان، جایزه نوبل حق مسلم او بوده است و پس از درگذشتش، به عنوان کمترین بزرگداشت از او و از شعر و ادبیات ایران، دیگر نهایستی دریغ شود. افسوس که رژیم آخوندی حسرت چاپ کامل مجموعه کتاب کوچک اثر بزرگ شاملو را بر دل شاعر گذاشت زیرا که شاعران، خود شاخه‌ای از جنگل خلفند.

همو بود که در مقابل راه اندازی کانون نویسندگان مطلوب رژیم آخوندی، قاطعانه ایستادگی کرد تا دامن فرهنگ و ادبیات ایران آلوده نشود. اما فراتر از همه چیره دستیها و نبوغ شعری ادبی، به راستی آن گاه که شاملو با عاطفه و احساس شگفت خود در توصیف روزگار غریب و توصیف شهیدان و قهرمانان می‌سرود، آتش به جان می‌زد: از زبیرم و مهدی رضایی تا حنیف نژاد و گلسرخی و اشرف موسی و آذر و شهیدان ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، از نازی تا ابراهیم در آتش و شبانه و بچه‌های اعماق و خطابه تدفین به یاد همه شهیدان بیهم.

در وصف میلبشیهای مجاهدین که در فردی ۳۰ خرداد با مشت‌های گره کرده و شعار آزادی، حتی بدون دادن اسمهایشان به دشمن، سرودخوانان به جوخه‌های اعدام شتافتند، شاملو سرود:

به شوق زندگی آواز می‌خواندند و تا پایان به راه روشن خود با وفا ماندند، و افزود: تو در من زنده‌ای، من در تو، ما هرگز نمی‌میریم - از آن ماست پیروزی.

و اکنون شاعر شاعران احمد شاملو، خود در فرهنگ و ادب ایران، در مقاومت مردم ایران و در عاطفه و احساس و شعر مقاومت زنده و جاری است. از هموطنان عزیز و مخصوصاً جوانان و مردم تهران می‌خواهم که به رغم ترندها و تزییقات رژیم فرهنگ کش آخوندی، در تشییع پیکر شاعر بزرگ ملی، حضور به هم رسانند و از جانب یاران تبعیدی او نیز با سرود ایران مرز پر گهر اداي احترام کنند.

مجلس یادبود و بزرگداشت او از جانب شورای ملی مقاومت در پاریس برگزار می‌شود.

مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران

دوشنبه ۳ مرداد ۱۳۷۹



## در این بن بست

دهانت را می‌بویند  
می‌باید که گفته باشی دوستت دارم.  
دلّت را می‌بویند  
روزگار غریبی است، نازنین  
و عشق را  
کنار تیرک راهبند  
تازبانه می‌زنند.  
عشق را در پستوی خانه نهمان باید کرد

در این بن بست کج و بیچ سرما  
آتش را  
به سوختبار سرود و شعر  
فروزان می‌دارند.

به اندیشیدن خطر مکن.  
روزگار غریبی است، نازنین  
آن که بر در می‌کوبد شباهنگام  
به کشتن چراغ آمده است  
نور را در پستوی خانه نهمان باید کرد  
آنک قصابانند  
بر گذرگاهها مستقر  
یا کنده و ساطوری خونالود  
روزگار غریبی است، نازنین  
و تبسم را بر لبها جراحی می‌کنند  
و ترانه را بر دهان،  
شوق را در پستوی خانه نهمان باید کرد

کباب قناری  
بر آتش سوسن و یاس  
روزگار غریبی است، نازنین  
ابلیس پیروزمست  
سور عزای ما را بر سفره نشسته است.  
خدا را در پستوی خانه نهمان باید کرد

## بزرگداشت احمد شاملو توسط

## شورای ملی مقاومت

روز شنبه هشتم مرداد، مراسم گرامیداشت احمد شاملو، شاعر بزرگ و ملی ایران، به دعوت شورای ملی مقاومت در پاریس برگزار شد. آقای دکتر منوچهر هزارخانی، مسئول کمیسیون فرهنگ و هنر شورای ملی مقاومت که مسئولیت این مراسم را به عهده داشت، از شاملو به عنوان یکی از درخشان ترین ستارگان شعر و ادب جهان یاد کرد. متن سخنرانی آقای هزارخانی در همین شماره نبرد خلق چاپ شده است.

در این مراسم نمایندگان عکسی از احمد شاملو، شامل عکسهایی از سنین کودکی تا ایام پایانی عمر او، به نمایش گذاشته شد.

مسئولیت خطیر و خطرناک به عهده نویسنده می افتد. نویسنده باید درک فردیش را تعمیم بدهد و به صورت شعور توده دربیاید... وقتی به دنبال این فکر برویم که نویسنده باید درک و تجربه اش را تبدیل کند به شعور عام، به شعور توده، آن وقت است که گرانی این بار از حس می کنیم. در جایی دیگر او به میان حرف مصاحبه کننده می نود تا یادآوری کند که این تعهد، فقط یک موضع نظری نیست. در گرفتاریهای عملی روزمره هم مصداق دارد. «ایدا یک روز حرف بزرگی به من زد. گفت اگر دستگیر شوی، سرشکسته پیش من بزن... خط نبود که به من داد. دلگرمی به من داد. چون می داند ممکن است حضور او برای من تبدیل به نقطه ضعف بشود [گفت] که اگر از پشت تلویزیون برگشتم خانه، دیگر ایدا نخواهد بود. این را نه با عنوان اتمام حجت، بلکه به عنوان تایید من گفت.

و همه یادمان هست که چند سال پیش از این، در دوره زمامداری پدر خوانده مافیای حاکم، که لقب سردار سازندگی به خود داده بود، نهیب پر صلابت شاملو بود که جمعی از نویسندگان و اهل ادب را از افتادن در دام حکومت - یا به قول خودش از خوردن غذای فاسدی که بوی گند می داد - باز داشت. طی بیست سال حاکمیت استبداد دینی، احمد شاملو، به جرم سر فرود نیابردن در برابر توحش مجسم، محکوم به انزوا و محروم از حق بیان و نشر بود. او این همه را، در حالی که از بیماری قدیمی و کهنه اش هم رنج می برد، تحمل کرد ولی کارش را - که به قول خودش پیش بردن مبارزه فرهنگی بود - تا دم مرگ هیچ گاه وانگذاشت. تو نمی دانی قریب یک عظمت وقتی در شکنجه یک شکست نمی ناند

چه کوهی است!

تو نمی دانی نگاه بی مژه محکوم یک اطمینان

وقتی که در چشم حاکمان یک حراس

خیره می شود

چه دریایی است!

تو نمی دانی مردن

وقتی انسان مرگ را شکست داد است

چه زندگی است!

خاطره اش جاودان باد.

خاص به حافظ گفته است: «از نظرگاههای مختلف می توان به حافظ پرداخت. برای من جالبترین جنبه حافظ، جنبه مبارزه جویانه اوست، مردی که در پرفریب ترین دوره های تاریخی مملکت، که خانقاه بازی و ربکاری و عوام فریبی به اوج رسیده، تنها - می گویم تنها، البته می شود مثلاً عبید را هم کنار او نشانند. ولی عبید مسأله دیگری است - تنها در مقابل شیخان خانقاهی می ایستد و شروع به افشاگری می کند. و این در شرایطی است که آدمکشهایی مثل امیر مظفر و پسرش شاه شجاع، از این خانقاهها و از این زهدبازیهها برای مشروع جلوه دادن حکومتشان استفاده می کردند. و در واقع خانقاهها شریک دربار بودند. این جنبه اجتماعی - سیاسی حافظ در مرتبه اول برای من فوق العاده مهم بود.

و چند سطر پایین تر دوباره تاکید کرده است: «من یک بار در گفتگویی راجع به حافظ گفتم. اگر ما نتوانیم تعهد و مسئولیت را از حافظ یاد بگیریم، دست کم باید از حافظ خجالت بکشیم. مردی در آن روزگار وانفسا، یک تنه جلو قشریها می ایستد و تو سرشان می زند و زهدشان را معادل ریا می آورد... این جنبه مبارز بودن با تمام گوشت و پوست و عصب است که برای من یک سرمشق است. سرمشق زندگی: و آن حقیقت جوییش که می گوید:

رند عالم سوز را با مصیحت بینی  
چکار / کار ملک است آن که تدبیر و  
تأمل بایش

او در مورد کتاب کوچک، در مقابل این سؤال که آیا شده است که به خاطر گرفتن اجازه نشر، به خودسانسوری تن دهید؟ گفته است: «نه، برای این که اجازه دادن به سانسور شدن یک نوع تسلیم است. من حتی ترجیح می دهم اثری که دستور می دهند مثلاً فلان جایش را باید حذف کرد، اصلاً منتشر نشود.

در سراسر زندگی اجتماعی و فعالیت‌های ادبی و هنری شاملو، این پایبندی به مسئولیت پذیری و تعهد چشمگیر است. او، برای آن که به این احساس وظیفه برسد، مجبور شد در بحبوحه جوانی خودش را اعدام کند:

نه آتش دارم

نه دعایی خواندم

خنجر به گلویش نهادم

و در احتضاری طولانی

او را کشتند

آهنگی فراموش شده را در تنبوشه گلویش  
قرقره کرد

و در احتضاری طولانی

سرد شد.

اما وقتی به این احساس مسئولیت رسید تا پایان عمر پر بارش به آن وفادار ماند. او در همان مصاحبه پیشگفته، در برابر این سؤال که در ترجمه قصه ها آیا هدف خاصی را دنبال می کرده یا نه زیبایی داستان انگیزه اصلی او بوده است. جواب داده: «من، دست کم در ابتدا، به دنبال زیبایی نیستم. دنبال اینم که تجربه بی را منتقل کنم. و اصولاً معتقدم که از همین جاست که مسئولیت،

## درگرمی داشت خاطره احمد شاملو

## - منوچهر هزارخانی

گیرم که شعر همین کار را با ناظم حکمت، لورکا و ریتوس والوار و دیگران هم کرده است و می کند. خود شاملو در مصاحبه بی ناگهان می گوید: «من جمعیتی کثیرم. ریلکه ام. روبه روسوس، آراگون نه چندان ولی پیل الوارم. لورکا هستم و خیمنز و غیره... غیره... این حرف یعنی چه؟ یعنی این که: مبتلایان به ذهنیت شاعرانه در هر نقطه از جهان که باشند و به هر زبان که سخن بگویند، درد بشریت - بشریت حی و حاضر - را دارند و همان را بازتاب می دهند.

قصه نیستم که بگویی  
نغمه نیستم که بخوانی  
صدا نیستم که بشنوی  
یا چیزی چنان که ببینی  
یا چیزی چنان که بدانی  
من درد مشترک  
مرا فریاد کن.

پس هر چند وسیله بیان شاملو زبان فارسی است، و بنا بر این بهره گیران بی واسطه از شعرهای او جماعت فارسی زبانی است. که تازه قلمرو زندگی بسی گسترده تر از محدوده میهن است. و هر چند مصداقها و سمبلهای شعری او غالباً ایرانی هستند، ولی مفاهیمی که از آنها نشأت می گیرند، مفاهیمی عام و جهانی و مربوط به کل بشریت اند و بنا بر این بهره گیران با واسطه از شعرهایش در گستره جهان پراکنده اند.

می خواهم بگویم یک و نژولایی، یک الجزایری، یک آلمانی یا یک ژاپنی همان قدر شعر شاملو را می فهمد و از آن بهره مند می شود که یک فارسی زبان ایرانی، یا همان قدر شعر شاملو را نمی فهمد و از آن بی نصیب می ماند که یک فارسی زبان ایرانی. مفاهیمی که در شعرهای او آمده اند، چنان نیستند که برای ایرانی آشنا و برای غیر ایرانی بیگانه و غریب باشند. همه این پرگوئیها را کردم تا به این نتیجه برسم که در شب ۲ مرداد سال ۱۳۷۹ یکی از درخشانترین ستارگان شعر و ادب جهان معاصر خاموش شد. کل واقعیتی که پیشتر به آن اشاره کردم، همین است.

اما بگذارید مسأله شعر و ذهن شاعرانه و ملاحظاتی مربوط به آن را بگذارم تا دوستان شاعرانم، که بی تردید واردترند و ذیصلاح تر از من هستند، به آن بپردازند. من فقط به یادآوری یک نکته اکتفا می کنم و آن این که رها بودن ذهن شاعرانه از قید و بندهای زندگی روزمره، لاابالیگری یا خوشباشی یا حتی برج عاج نشینی روشنفکران را به دنبال نمی آورد. بلکه، از دیدگاه شاملویی، مسئولیت، تعهد اجتماعی را جدی تر و سنگین تر می کند. و در این زمینه ترجیح می دهم به جای این که من روضه بخوانم، حرفهای خود شاملو را نقل کنم. در مصاحبه مفصلی با شاملو که متن آن در «دفترهای زمانه» در مهر ۷۰ در آمریکا منتشر شد، او در توضیح علت دلپستگی

گردهمایی امروز ما، هم چنان که می دانید، برای ادای احترام به بزرگمرد فرهنگسازی است که درگذشتش در شب ۲ مرداد، همه جامعه آگاه و اندیشه ورز ما را در اندوهی جانکاه و غیر قابل بیان فرو برد. این ادای احترام، اما، به معنای ادای دین نیست. ادای دین به قلم سربلند و استواری که نفس حضورش در شش دهه اخیر، از نشانه های راهنما و جهت یاب برای بسیاری از روشنفکران و اهل ادب در جامعه ما بوده، و کیفیت و کمیت انبوه کارهای هنری، ادبی و تحقیقی او. با وجود تبعید و تحریم بیست ساله اش در خاک میهن، در حدی است که نسلی بعد از نسل او را سیراب خواهد کرد و بر آنها اثر خواهد گذاشت. اگر برای هم عصرانش اساساً میسر باشد، دست کم به این زودیها ممکن نخواهد بود و به گذشت زمان نیاز خواهد داشت. اما سر فرود آوردن در برابر این قله رفیع شعر و ادب و ادای احترام به بزرگمرد وارسته آزاده بی که هر چند در زندان زیست و در زندان مرد، اما هیچ گاه تن به اسارت نداد، وظیفه امروز ماست. یا به زبان سیاسی به مثابه نوعی اعلام موضع است در برابر حادثه بزرگی که روی داده و نمی توان بی اعتنا از کنارش گذشت.

من اگر از درگذشت شاملو به عنوان دست رفتن بزرگترین شاعر معاصر میهنمان یاد کنم، تقریباً یقین دارم که شما به من ایرادی نخواهید گرفت. چون احتمالاً خودتان هم چنین نظری دارید. فکر هم نخواهید کرد که دارم اغراق می کنم چون می خواهم هندوانه زیر بغل او بگذارم. شاملو تا زنده بود یک کشش از این نوع هندوانه را، که مرتب زیر بغلش می گذاشتند، به زمین ریخته بود تا سبکیا باشد، حالا، پس از مرگش چه نیازی به هندوانه خیالی من دارد؟ با این همه، من چنین حکمی نمی کنم. چون به گمان این حکم فقط بخشی از واقعیت را بازگو می کند و تقلیل دهنده کل واقعیت است. البته درست است که شاملو شاعر است و شاعر، بر وزن فاعل، برای من ناوارد، خالق شعر را به ذهن متبادر می کند، ولی از دیدگاه شاملویی، این تداعی درست نیست. از نظر او در جریان پدیدآمدن شعر، شاعر فاعل نیست بلکه خودش مخلوق عاملی است که او آن را - ذهنیت شاعرانه می نامد. این ذهنیت شاعرانه یا روح شاعرانه یا استعداد الهام پذیری یا هر اسم دیگری که به آن بدهید، به این یا آن محل جغرافیایی، به این یا آن قوم، به این یا آن نژاد و به این یا آن زبان وابسته نیست. جوهری واحد و همه جا حاضر است. وقتی شاملو می گوید: «من به شعر نمی پردازم. شعر به من می پردازد. من هیچ وقت شعری را به عنوان مشغله ذهنی توی سرم ندارم، شعر خودش در یک لحظه پیدا می شود و به من دستور می دهد که بنویسمش و می نویسمش». من از این حرف او نتیجه می



## میلاد آن که عاشقانه بر خاک مرد

در شهادت احمد زبیرم

۱  
نگاه کن چه فروتنانه بر خاک می گسترده  
آنکه نهال نازک دستانش  
از عشق  
خداست  
و پیش عصیانش  
بالای جهنم  
پست است.  
آن کو به یکی «آری» می میرد  
نه به زخم صد خنجر.  
و مرگش در نمی رسد  
مگر آن که از تب وهن  
دق کند.

قلعه بی عظیم  
که طلسم دروازه اش  
کلام کوچک دوستی است.  
۲  
انکار عشق را  
چنین که بی سرسختی پا  
سفت کرده ای  
دشنة بی مگر  
به آستین اندر  
نهان کرده باشی.

۳  
که عاشق  
اعتراف را چنان به فریاد آمد  
که وجودش همه  
بانگی شد  
نگاه کن  
چه فروتنانه بر درگاه نجابت  
به خاک می شکنند  
رخساره بی که توفانش  
مسخ  
نیارست کرد  
چه فروتنانه بر آستانه تو به خاک می افتد  
آنکه در کمرگاه دریا  
دست  
حلقه توانست کرد

نگاه کن  
چه بزرگوارانه در پای تو سر نهاد  
ان که مرگش  
میلاد پر هیاهوی هزار شهزاده بوده  
نگاه کن!

روزگار غریببست، امروز تلاشهای  
«جناحی خودی»؛ بر خاسته از  
فاضلاب نظام جمهوری اسلامی و  
حاکمیت استبدادی و مذهبی، برای  
زمینه سازی برخی اصلاحات جزئی  
آنهم در چارچوب قانون اساسی و  
اسلام، با مقاومت جناح ولایت فقیه  
روبروست و تجربه حرکتی که وی فقیه  
در رابطه با طرح اصلاح قانون مطبوعات  
انجام داد. به خوبی نشان داد که این  
یک رقابت جناحیست برای حفظ  
قدرت. اکنون که قتل عام مبارزان راه  
آزادی در کنار سسروکوب حرکتکهای  
کارگری، به خاک و خون کشیدن قیام  
دانشجویی ۱۸ تیر ماه ۱۳۷۸،  
خیزشهای مردمی آبادان و اسلام آباد و  
پیرانشهر و... تکرار حمله وحشیانه  
گروه ضد شورش به دستور وزارت کشور  
در سالگرد قیام دانشجویی ۱۸ تیر، مردم  
ایران را متوجه این نکته کرده که  
مهمترین معضل جامعه ما ولایت فقیه  
است و امروز که مردم فریاد می زنند،  
دموکراسی با ریش و پشم نمیشود و  
خاتمی آنها را اغتشاشگر می خواند،  
افزادی اپورتونیست و به ظاهر دلسوز  
خلق صدای «بازگشت شرافتمندانه به  
ایران» را شنیده اند و دلشان برای پست  
و مقام در نظام سر تا گندیده آخوندی  
لک زده است، در مقابل این رسالت را  
به عهده گرفته اند که تا آنجا که می  
توانند از انقلاب به بدی یاد کرده و  
طرح استحاله رژیم مذهبی را ترویج  
کنند! به راستی که روزگار غریبی  
است! این افراد با نادیده گرفتن  
دستاوردهای این رژیم قرون وسطایی که  
چیزی جز شکنجه، اعدام، فقر، فحشا،  
اعتیاد، ترور و رفتار زشت و زنده با  
پناهندگان افغانی و اجرای احکام قرون  
وسطایی، نظیر سنگسار و قطع عضو بدن  
و درآوردن چشم از حدقه و... نیست،  
مدام شلنگ تخته می اندازند و دم از  
اصلاحاتی می زنند که سرعتش تحت  
تاثیر واکنشهای ولایت فقیه، از طرف  
نایب رئیس مجلس، محمد رضا خاتمی،  
هر روز کمتر می شود.

احمد شاملو، شاعری که دینامیسم  
تاریخ را دریافت، امیدساز و پر تحرک  
است و این شاعر کسی نیست جز آن که  
او را باید در میان خود داشته و پرورش  
را به یاد داشته باشیم زیرا امروز توقع  
جامعه از شاعر به عنوان یک انسان  
مقاوم و استوار فزونی یافته و این  
صورت زمانه است، شاملو فرهنگ پویا  
را که مدام در حال تغییر، تکامل و  
دوباره زائی است و باعث آگاهی بیشتر  
مردم به جهان پیرامون می شود در هر  
مقابل فرهنگ مومیایی که عامل مؤثر  
خراب کردن توده هاست قرار داد.

شاعری که وجدان طبقاتی را در مردم  
شکل بخشید و شعرهایش حرکت ایجاد  
کرد. شاملو نسل بعد از نیما است و  
مانند سهراب سپهری و فروغ فرخزاد  
درگذشت وی یادش همیشه زنده و راهش  
ادامه خواهد داشت.

۴ - این مقاله توسط نبرد خلق  
کوتاه شده است.

## پرواز را به خاطر بسپار، پرنده مودنیست

— آناهیتا —

شمع زندگی احمد شاملو، یکی از  
شاعران بزرگ معاصر ایران، خاموش  
شد. او هنر را در جهت خدمت به مردم  
می دانست و متناسب با زمان و  
موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران شعر  
می سرود و بنا بر این یکی از  
پرشورترین مبارزان راه رهایی علیه  
استبداد ننگین سلطنتی و استبداد قرون  
وسطایی ولایت فقیه بوده و هیچ گاه  
حتی در زمان پیری و بیماری دست از  
مبارزه نکشید، عجیب نبود که باند  
خاتمی در مقابل مرگ این شاعر بزرگ  
سکوت کرد و باند ذوب در ولایت فقیه  
او را وابسته به شاه و یا ضد انقلاب  
دانستند و خواندن سرود میهنی، در  
روز به خاک سپردن او را سبکسرانه به  
حساب آوردند. شاملو با اشعار زیبایش  
از وضع ناپهناج اجتماعی ایران سخن  
گفت. او عینیت جامعه امروز ایران را  
بهتر از هر کس دیگری در اشعارش  
نمودار ساخت. او از تازیانه خوردن  
عشق، کشتن چراغ، جراحی شدن تبسم  
بر لبها، سخن گفت و ملایان را  
فصلبانی نامید آن هم با «کنده و  
ساطوری خون آلود» چه کسی بهتر از  
او که تا لحظه مرگ شاهد تاخت و  
تازهای ملایان و کشتار هزاران تن از  
رشیدترین فرزندان این خلق بود. می  
توانست به این زیبایی سخن به زبان  
بیاورد؟! افسوس که رژیم آخوندی  
حسرت چاپ کامل مجموعه کتاب  
کوچه، اثر بزرگش را بر دل شاعر  
گذاشت.

بعد از قیام بهمن ۵۷، بر ویرانه  
های رژیم استبداد سلطنتی، استبداد  
قرون وسطایی ولایت فقیه بنا شد و  
آرمانهای میلیونها انسان ستمدیده برای  
آینده ای بهتر، عادلانه و رها از  
استعمار، به سرقت رفت و جای خود  
را به واقعیت فاجعه بار امروزی داد.  
شاملو که خود یکی از مدافعان منافع  
زحمتکشان در سراسر جهان بود به  
خوبی لمس می کرد که کارگران زیر  
فشارهای خردکننده اقتصادی و  
اجتماعی له می شوند تا کلان سرمایه  
دارهای بازار و سرمایه داران نوکیسه  
رشد یافته، میلیونها دلار به حسابهای  
خارج خود انتقال داده و ثروت ملی  
کشور را به باد دهند. اینجا بود که  
آواز «کیاب قناری» و «ابلیس پیروزمند  
مست» سخن به میان آورد. شاملو در  
اشعارش انتظار آینده ای روشن و جامعه  
ای آزاد از قید و بندهای استثمار و  
استعمار برای ایران آرزو می کرد که  
«مهربانی با زیبایی یکسان شود». حتی  
اگر آن روزها شاملو دیگر در جهان  
نباشد.

شاملو می گفت: روزگار غریببست  
نازنین، شاملوی نازنین کجایی؟ تا من  
برایت بگویم که در خارج از کشور هم

## مبارز خستگی ناپذیر علیه امپریالیسم و ارتجاع شاملو مدافع پیگیر کارگران و زحمتکشان

--- مهدی سامع

احمد شاملو در طی زندگی پر بار  
خود، همواره برای آزادی اندیشه و بیان،  
آزادیهای سیاسی و اجتماعی، رهایی انسان  
و عدالت مبارزه کرد. وی یک مبارز عالیقدر  
برای تحقق حقوق ستمدیدگان بود. او در  
کار شعر، ترجمه، تحقیق و کار روزنامه  
نگاری همواره از حقوق کارگران و  
زحمتکشان و از پیکارگران جنبش انقلابی  
حمایت کرد. شاملو با ترجمه سرود  
انترناسیونال که در کتاب جمعه ویژه اول  
ماه مه به چاپ رسید، با برگردان اشعاری  
از لنگستن هیوز تحت عنوان سیاه  
همچون اعماق آفریقای خود، با برگردان  
اشعاری از «مارگوت بیکل» تحت عنوان  
«سکوت سرشار از نا گفته هاست»، با  
ترجمه کتاب بگذار سخن بگویم و با  
ترجمه رمان بزرگ «دن آرام» اثر شولوخف  
و... جهتگیری سیاسی - اجتماعی خود  
را به نحو بارزی نشان داده است. کنکاش  
و تعمق در اشعار وی که در کتاب «مدایح  
بی صله» به چاپ رسیده، عمق دیدگاههای  
او را نشان می دهد. کارهای او در زمینه  
مطبوعاتی، به ویژه انتشار کتاب هفته،  
«مجله خوشه» و کتاب جمعه، نشان می  
دهد که شاملو یک مدافع پیگیر مبارزه علیه  
امپریالیسم و ارتجاع و یک طرفدار استوار  
جنبش انقلابی بود. اشعار شاملو که برای  
انقلابیان شهید در دو رژیم شاه و شیخ  
سروده، احساسات و عواطف انسانی و  
انقلابی او را نشان می دهد. شاملو همواره  
در جبهه مردم و انقلاب قرار داشت و بدین  
خاطر او را باید یک پیکارگر راه آزادی،  
دموکراسی، مدرنیسم و عدالت نامید.  
بسیاری می گویند تا با برداشت کلیشه ای  
از بعضی سخنان شاملو، او را یک روشنفکر  
غیر سیاسی معرفی کنند. این چنین  
برداشت کلیشه ای البته در جنبشهای  
انقلابی یک صد سال اخیر بسیار رایج بوده  
است. برداشت کلیشه ای از آثار مارکس و  
لنین و بسیاری بزرگان دیگر (با وجود این  
که در بسیاری موارد صادقانه بوده است)  
به بسیاری فاجعه های بزرگ انجامیده  
است. اکنون نیز همین برداشت از بعضی  
سخنان احمد شاملو که در زمان مشخص و  
برای هدف مشخصی بیان کرده، ممکن  
است بعضیها را به این نتیجه برساند که  
شاملو یک شخصیت صرفاً ادبی و هنری  
بود. خصوصاً آشتی ناپذیر طرفداران شاه و  
شیخ با شاملو بطران این نظر را آشکار می  
کند. شاملو البته یک مدافع پیگیر مبارزه  
علیه امپریالیسم و ارتجاع و یک طرفدار  
استوار جنبش انقلابی بود. شاملو البته  
وابسته به یک گروه خاص نبود، اما او  
وابسته به جنبش انترناسیونالیستی برای  
رهایی انسان بود و بدین لحاظ یک روشنفکر  
متعهد و یک سیاستمدار شورشی بود.

## یادداشت و گزارش

الف. ش. مفسر

## مرگ شاملو طلوع بی غروب «بامداد»

احمد شاملو روز دوشنبه سوم مرداد درگذشت و با مرگ شاملو، مردم ایران، شاعری بزرگ، انسانی شریف و ارجمند و مبارزی خستگی ناپذیر در راه آزادی و اعتلای حرمت انسان را از دست دادند. شاملو نیم قرن در خدمت به فرهنگ میهن خویش و مقاومت در برابر دیو استبداد تلاش و مبارزه کرد و گزافه نیست اگر بگوییم نام شاملو با شعر در این بن بست خود به پرچم مقاومت و مبارزه فرهنگی مردم و روشنفکران ایران، در برابر رژیم تبدیل شد. شاملو این شعر را در ۳۱ تیرماه سال ۵۸ یعنی تنها چند ماه بعد از به قدرت رسیدن خمینی در ایران سرود که برای اولین بار در روزنامه بامداد ۲۰ مرداد همان سال همراه با مصاحبه بی با شاملو به چاپ رسید. تنها یک هفته بعد از انتشار این شعر خمینی که از اوایل ورودش به ایران بارها، خشم خود را از روشنفکران و روزنامه ها و سازمانها و گروههای سیاسی اعلام کرده بود، در ۲۶ مرداد در یک سخنرانی ضمن اظهار تأسف و پشیمانی از این که چرا از اول جویبه های دار در میدانهای بزرگ بر پا نکرده و چرا گردانندگان همه احزاب و گروهها و مطبوعات را درو نکرده، دستور تعطیلی قله بی مطبوعات را داد. البته روزنامه بامداد در آن زمان تعطیل نشد بلکه چند ماه بعد در آستانه برگزاری اولین انتخابات ریاست جمهوری، بعد از ۲ بار بامب اندازی به دفترش، دست اندرکارانش صلاح را در تعطیل کردن روزنامه دیدند. به هر حال شاملو مثل چهره های فرهنگ ساز غیر مذهبی کشور، در روزنامه های رژیم تحریم شده بود، (به جز روزنامه نشاط در این اواخر کمی قبل از تعطیل شدنش). مرگ شاملو، کسانی را که شاملو را تحریم و بزدن اسمش را ممنوع کرده بودند، در وضعیت بدی قرار داد. چون تردیدی نبود که مردم، شاعر بزرگ و مبارز میهن خویش را با جلال و شکوهی در خود به خاک خواهند سپرد و در این راه، نه بیمی از انصار حزب الله و سربازان گمنام امام زمان به خود راه خواهند داد، نه اگر ممنوعیتی برقرار شود، واقعی به آن خواهند گذاشت. سکوت در این زمینه هم، خود یک نوع اعلام موضع و واکنش بود اتفاقاً با مفهوم کاملاً روشن، مثل سکوت خامنه ای و خاتمی و «رضا شاه دوم». وزیر ارشاد رژیم، پس از دو روز تأخیر به خانواده شاملو و جامعه ادبی تسلیت گفت و یک مدیر کل وزارت ارشاد در مراسم تشییع او شرکت کرد. روزنامه دولتی ایران که در شماره ۴ مرداد درگذشت شاملو را با تیترو «جهان شاملو را از دست داد» چاپ کرده بود، خشم پاسدار شریعتمداری را برانگیخت. پاسدار

توات ساز گرداننده کیهان، در شماره ۶ مرداد کیهان ضمن انتقاد از این تیترو روزنامه ایران نوشت: در صفحه سوم همین روزنامه مدحی برای شاملو نوشته شده که اگر کسی او را نشناسد خیال می کند طرف از اولیا، الله بوده است. شریعتمداری و برادر همکار و هم مسلکش حسن شایانفر، بعد از سرکوبی تظاهرات دانشجویان در تیرماه سال ۷۸، جو رعب حاصل از این سرکوبی را فرصتی مناسب برای پریدن به شاملو یافتند و با گشودن پرونده قتل برای شاملو در کیهان ۲۷ تیر، بیضه این شیر سالخورده را دندان گرفتند. روز بعد سگان پاسدار ولایت فقیه در روزنامه رسالت، با نقل مطلب کیهان همان کار را تکرار کردند.

گزارشها از مراسم تشییع جنازه شاملو، حکایت از شرکت چشمگیر جوانان داشت که با در دست داشتن شاخه های گل در این مراسم حضور یافته، شعرهایی از شاملو زمزمه می کردند و سرود می خواندند و اشک می ریختند. مراسم که به نوشته یکی از روزنامه های جناح هار به عزاداری شبیه نبود، طبیعی بود که مراسم تشییع جنازه مردی که ستایشگر انسانیت و عشق و زندگی بود، با «عزاداری» هیستریک و مقتضای بی که برای خمینی برگزار شد متفاوت باشد. خمینی دشمن همه آن چیزهایی بود که شاملو عاشق آن بود، و طبیعی بود که ایر دو هواپازان و شیفتگانی از نوع خود داشته باشند. شاملو در عین حال که به میهن خود ایران و زبان فارسی عشق می ورزید، یک جهان وطن و شهروند جهانی بود. آن گونه که خود در یکی از مصاحبه هایش در مورد هویت خود گفته بود: من خویشتاوند نزدیک هر انسانی هستم که خنجری در آستین پنهان نمی کند. نه ابرو به هم می کشد، نه لبخندش ترفند تجاوز به حق نان و سایبان دیگران است. نه ایرانی را به ایرانی ترجیح می دهم، نه ایرانی را به ایرانی. من یک لر بلوچ کرد فارسم، یک فارسی زبان ترک، یک آفریقایی اروپایی استرالیایی آمریکایی آسیایی ام. یک سیاه پوست زردپوست سرخپوست سفیدم که نه تنها با خودم و دیگران کمترین مشکلی ندارم، بلکه بدون حضور دیگران وحشت مرگ را زیر پوستم احساس می کنم. من انسانی هستم در جمع انسانهای دیگر بر سیاره مقدس زمین، که بدون دیگران معنایی ندارم. بله چنین آدمی هواداران و شیفتگانی از نوع خود داشت که آن مراسم را آن طور با شکوه برگزار کردند. حضور چشمگیر جوانان در این مراسم، سبب شگفتی ناظران و دست اندرکاران برگزاری این مراسم (از اعضای کانون نویسندگان ایران) شده بود. بی تردید جوانان شرکت کننده در این مراسم، در چند روزی که از مرگ شاملو تا زمان تشییع جنازه او مطالب و اطلاعیه هایی در مورد او منتشر شد، با شاعر تحریم شده از سوی محافل قدرت، آشنا نشده بودند و در ظرف آن چند روز به ناگهان چنین احساس و محبتی به او

در دلشان پیدا نشده بود. شاملو از طریق نوار اشعارش یا شعرهایی که ترجمه های آن را خوانده بود، در خانه های بسیاری از مردم حضور داشت و از آن جا که او دردمشترک را فریاد می کرد، بر آنها نیز تأثیر می گذاشت. از همین رو جوانان و مردم آگاه و دوستدار فرهنگ و ادب و دوستدار شاملو، به خوبی می توانستند تشخیص بدهند که آن تجلیانها و تسلیتها، کدامشان چیزی مثل فاتحه برای اهل قبور و یا برای خرج کردن، شاملو است و کدامشان از روی ارادت و قدرشناسی نسبت به این شاعر شاه و شیخ و استبداد ستیز، اما جایگاه شاملو چنان بود که تحریم کنندگان، برای خرج کردن او ناچار از تجلیل و تکریم او بودند.

## قضاوت نادرست

اینجا در خارج کشور، بهترین تجلیل از شاملو به گمان من شناخت ارزش کار او و شناخت اهمیت مقوله مقاومت فرهنگی و ارج گذاشتن به کسانی است که در این زمینه در این ۲۰ سال حکومت قرون وسطایی روضه خوانها کار کرده اند. این مسأله را به این دلیل با اهمیت می یابم که حتی آدمی مثل خود شاملو که اکنون می بینیم که مورد تجلیل همه قرار گرفته، اینجا در خارج کشور نزد برخی مورد بی مهری بود، به یاد دارم که حتی بعد از مصاحبه شاملو با رادیو پرتوآک در سوئد که موضع قاطمی در برابر شرایطی که رژیم می خواست برای تشکیل کانون نویسندگان ایران تحمیل کند گرفت و آن را به گوشتی که بوی گند می دهد تشبیه کرد. دیدگاههای مورد اشاره، تغییری نکرد. چنین دیدگاهی البته بیشتر ناشی از سالها دوری از مردم و در بین مردم و ملا، طبیعی خود نبود و عدم شناخت وجوه مختلف مبارزه مردم با یک رژیم سرکوبگر درنده خود و عوامل مؤثر در این مبارزه است. این دیدگاه بر این استدلال استوار بود که وقتی رژیم این همه جنایت علیه مردم کرده و می کند، آدمی با نام و آوازه شاملو وقتی به خارج می آید و علیه رژیم حرفی نمی زند و به ایران برمی گردد، به رژیم خدمت می کند. صاحبان این طرز تفکر اصولاً آن چه حاصل کار فرهنگی در داخل است، به خاطر این که با اجازه وزارت ارشاد رژیم منتشر می شود، مسال رژیم می دانند. طبعاً با این منطق تولید کننده (نویسنده)، شاعر یا فیلمساز) هم رژیمی و خادم رژیم می شود. تا مرگ شاملو، هیچ نشانه بی مبنی بر این که تغییر در کار و روش شاملو به وجود آمده باشد، دیده نشده. اما قضاوت همگان در مورد او نشان می دهد که او انسانی شریف و شاعری آزادیخواه و در خدمت میهن خویش بود.

آن قضاوت به همان روشی نادرست و ناحق بود که امروز روشن است که نمی توان شاملو را به خاطر آن که روزنامه دولتی ایران از او تجلیل کرده، یا وزیر ارشاد رژیم درگذشتش را تسلیت گفته،



فردی دانست که در خدمت رژیم بوده است. صاحبان این گونه تفکر - که البته تعدادشان زیاد نیست - اگر خود را از مبارزان راه آزادی و ضد رژیم می دانند باید پیوسته افکار عمومی و مردم را ناظر و داور گفتار و کردار خود بدانند و خوب است این شعر حافظ را در نظر داشته باشند که گفت: صنعت مکن که هر که محبت نه راست باخت / عشقش به روی دل در معنی فراز کرد / فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید / شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد. و گرنه به بیراهه خواهند رفت و دستاوردی که در خور رنجها و مصائبی که تحمل کرده اند، برای مردم کسب نخواهند کرد.

## قهرمانان تاریخی و بزرگان فرهنگ و ادب

من گاهی فکر می کنم و از خود سؤال می کنم که مثلاً چرا بابک خرم دین که ۲۰ سال مبارزه و مقاومت نظامی در برابر اجداد خمینی و خاتمی و خامنه ای را سازمان داد و به پیش برد و سرانجام نیز قهرمانانه در این راه جان باخت، به اندازه حافظ که شعر می گفت و نقاب از چهره ریاکاران می افکند، عشق می ورزید و می می نوشید و به سر و ریش مفتی و محتسب و شاه و فقیه می شاشید، در زندگی مردم نتوانسته حضور پیدا کند (تازه در زمانی که او می زیست نه تعداد با سوادان مثل امروز بود، نه امکانات چاپ و نشر و وسایل ارتباطی مثل امروز وجود داشت)، یا حتی در زمان خود ما، شاملو چنین حضور عالم گیری در بین ایرانیان پراکنده در سراسر دنیا دارد و در مورد قهرمانان تاریخی چنین حضور دائمی را نمی بینیم، پاسخی که خود برای آن می یابم این است که شاید به این دلیل که قهرمانان تاریخی، مثل بابک یا مثل ستارخان، در یک شرایط تاریخی خاص برای انجام مسئولیت و وظیفه بی خاصه مربوط به همان زمان می شده پیدا شده و به پا خاسته اند و موفق یا ناموفق، نقششان در همان زمان به پایان رسیده است. اما حافظ و کسانی چون او با خویشتن خویش آدنها و آنچه



## اخبار کارگری -

اجتماع اعتراض آمین کارکنان شرکت سنگ آهن مرکزی بافق

جمهوری اسلامی ۳۰ تیر: تعداد ۵۲۵ نفر از کارکنان قراردادی فصل ۱۳ شرکت سنگ آهن مرکزی بافاق برای تجدید وضعیت استخدامی خود از پیمانی و قراردادی به رسمی و همچنین جلوگیری از خصوصی سازی شرکت اجتماع اعتراض آمیزی را برگزار کردند. معترضین در مقابل دفتر روابط عمومی شرکت تجمع کرده و بدون دادن هر گونه شعاری خواستار اجرای نامه مورخه ۱۲ فروردین ۷۸ شرکت ملی فولاد ایران شدند. آقای تشکری یکی از کارکنان مشمول فصل ۱۳ آیین نامه شرکت ملی فولاد در گفتگویی با خبرنگار ما در این رابطه اظهار داشت: در تاریخ ۱۲ فروردین ۷۸ به پرسنل مشمول اعلام نموده که تجدید وضعیت خواهید شد. فرمهای مربوطه توسط کارکنان تکمیل گردید. امور اداری شرکت با تاخیر اقداماتی صورت داد لیکن در تاریخ ۹ تیر اعلام شد چون ۷۰ درصد از سهام شرکت سنگ آهن به کانون بازنگری شرکت ملی فولاد ایران واگذار شده و قرار است به صورت بخش خصوصی اداره شود از تجدید وضعیت کارکنان خودداری شود.

متعاقب این اقدام کارکنان مشمول در تاریخ ۱۲ تیر دست از کار کشیده و در محل شرکت اجتماع کردند و سپس ۵ نفر را به عنوان نماینده انتخاب و نامه ای به عنوان رئیس جمهور تهیه و ارسال نمودند. در آن نامه آمده بود که با توجه به این که در حال حاضر تعداد ۳ هزار نفر بیکار در شهرستان بافق پلاتکلیف هستند و عملکرد شرکتهای خصوصی نیز در این شهرستان ضعیف بوده در واگذاری شرکت سنگ آهن به بخش خصوصی تجدید نظر به عمل آید. در بخش دیگر نامه مذکور که رونوشت آن به مقامات ذیربط ارسال شده آمده است: کارکنان طبق قانون موجود (ابلاغی مورخه ۱۲ فروردین ۷۸) خواستار تبدیل وضعیت استخدامی خود هستند زیرا در شهرهای اصفهان و شاهرود این قانون در باره کارکنان اجرا شده است. آقای تشکری در ادامه افزود: کارکنان مشمول فصل ۱۳ اعلام کرده اند مادامی که حکم قطعی "رسمی" آنان صادر نشود به اجتماع خود ادامه خواهند داد. وی اضافه کرد: در حال حاضر تولید با ظرفیت روزانه ۲۰ هزار تن در ۳

شیفت کاری به حالت تعطیل در آمده و حدود ۱۶۵ میلیون تومان در روز به این بخش خسارت وارد می شود. این فرد به نقل از کارکنان معترض گفت: پرسنل فصل ۱۳ قول مساعد داده اند در صورت تحقق خواسته هایشان و صدور حکم رسمی کلیه خسارات وارده را با تلاش مضاعف جبران خواهند کرد زیرا حاضر نیستند به بیت المال لطمه ای وارد شود. گفتنی است طبق قانون جدید مصوب معادن آهن با ذخیر زیر ۱۵۰ میلیون تن خصوصی می شود. در این مصوبه جدید معادن گلگهر سیرجان و چادرملو مستثنی شده اند. در مورد معدن گلگهر در قانون مذکور آمده است که منطقه گلگهر مجتمع معدنی را تشکیل می دهد. یعنی مشتمل بر چند معدن در فواصل کم و زیاد می باشد این در حالی است که شرکت سنگ آهن مرکزی بافق نیز مشتمل بر چند معدن با بیش از ۵۰۰ میلیون تن ذخیره است که می بایست همانند گلگهر از خصوصی سازی مستثنی شود. بنا بر همین بند از مصوبه مردم بافق و کارکنان شرکت از رئیس جمهوری خواسته اند تا از خصوصی سازی این شرکت جلوگیری بعمل آید.

## در اعتراض به تعویق ۵ ماه حقوق

کارگران سیپورکس در مقابل وزارت کشور تجمع کردند رسالت اول مرداد: ۲۵۰ نفر از کارگران شرکت فراورده های ساختمانی سیپورکس با تجمع در مقابل وزارت کشور خواهان دریافت حقوق معوقه خود و اجرای قانون کار شدند. این کارگران در تجمع خود نسبت به آنچه آن را ضعف مدیریت بانک صنعت و معدن و اقدام به انحلال این شرکت خواندند. معترض بودند. مجید بیگ زاده که مدعی بود حدود ۲۵ سال در شرکت فراورده های ساختمانی سیپورکس کار کرده. گفت: از زمان مدیریت جدید بانک صنعت و معدن کارگران همیشه در اضطراب اخراج شدن به سر می برند. به گفته کارگران معترض شرکت "سیپورکس" تنها شرکتی است که در ایران ۷ نوع محصول ساختمانی تولید می کند. یکی دیگر از کارگران معترض گفت: بیش از ۵ ماه است که شرکت حقوق کارگران را پرداخت نکرده است.

## اعتصاب در شرکت توسعه نیشکر

رسالت اول مرداد: کارگران سه واحد تولیدی شرکت توسعه نیشکر خوزستان به دلیل عدم دریافت حقوق مزایا دست به اعتصاب زدند.

## تعطیلی بخشی

از کارخانه آلومینیوم سازی اراک و نگرانی ۸۱ هزار شاغل

همشهری ۲ مرداد: در پی شکوایت اداره کل حفاظت محیط زیست استان مرکزی به دادگستری مبنی بر آلوده سازی مستمر هوا از سوی کارخانه آلومینیوم سازی اراک. حکم تعطیلی بخشی از این کارخانه صادر و برای اجرا به نیروی انتظامی ابلاغ شد. مسئول روابط عمومی دادگستری استان مرکزی در گفتگو با خبرنگار همشهری در اراک گفت: در اجرای مواد ۱۶ و ۱۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا حکم تعطیلی خط یک کارگاه احای کارخانه مشتمل بر سالنهای ۴ و ۱۶ با تعداد ۱۶ دیگ و همچنین جلوگیری از فعالیت ۳۸ دیگ جدیدالاحداث در کارخانه توسط مقام قضایی صادر شد. حکم صادر دیروز به نیروی انتظامی ابلاغ شد تا با نظارت اداره کل محیط زیست استان نسبت به اجرای آن ابلاغ شود. یکی از مدیران شرکت آلومینیوم اراک در تهران به خبرنگار ما گفت: اقدام مراجع مربوطه علیرغم تعهدات پذیرفته شده از سوی مدیریت این شرکت برای استفاده از فن آوری روز این صنعت و جلوگیری از آلوده شدن محیط زیست انجام شده است. وی توضیح داد: مقامهای استان مرکزی به ویژه استاندار محترم در جریان تعهدات شرکت آلومینیوم اراک هستند و در این باره با تعطیل کردن بخشی از خط تولید موافقت ندارند. وی ادامه داد: با توجه به این که شرکت آلومینیوم اراک عمده ترین تولید کننده آلومینیوم در کشور است. این اقدام می تواند توانایی انجام تعهدات شرکت را در توزیع داخلی به مقدار زیادی کاهش دهد و ۸۱ هزار شغل در صنایع پایین دستی این صنعت را تهدید کند.

## بیکاری بیش از ۸ هزار پزشک

همشهری ۳ مرداد: رئیس سازمان نظام پزشکی کشور گفت: اکنون ۵ هزار ردیف شغلی در شبکه بهداشت و درمان کشور خالی است و این در حالی است که ۸ هزار نفر از پزشکان جوان بیکار هستند. دکتر صدر که برای شرکت در مجمع عمومی سالانه نظام پزشکی استان کرمانشاه به این استان سفر کرده بود. افزود: به ازای هر یک هزار و ۲۷۵ نفر جمعیت کشور یک پزشک فعالیت دارد. وی گفت: تعداد اعضای سازمان نظام پزشکی کشور ۱۱۰ نفر است. دکتر صدر گفت: این تعداد شامل ۶۵ هزار پزشک، ۹ هزار پیراپزشک، ۹ هزار داروساز، دو هزار دکترهای حرفه ای علوم پزشکی و ۲۲ هزار ماما است.

## اعتراض کارگران کارخانه آهک صنعتی لرستان

کیهان ۱۶ مرداد: یکی از کارگران کارخانه آهک صنعتی لرستان واقع در جنوب پلدختر که خواست نامش فاش شود به خبرنگار کیهان گفت: ۵۲ تن از کارگران رسمی این کارخانه با گذشت نزدیک به ۳ ماه هنوز حقوق خود را دریافت نکرده اند. وی افزود ما برای تامین نیازهای اولیه زن و فرزندان خود با توجه به مشکلات اقتصادی سخت در تگنا و مضیقه قرار داریم و از این که هر روز با دست خالی به خانه می رویم شرمند زن و فرزندان خود هستیم.

## اعتراض کارگران جامکو به عدم پرداخت حقوق

جمهوری اسلامی ۶ مرداد: تعدادی از کارگران کارخانه پوشاک جامکو دیروز در اعتراض به آنچه که عدم دریافت حقوق خود می خواندند مقابل نهاد ریاست جمهوری تحصن کردند. این عده که حدود ۲۰۰ کارگر مرده و زن بودند. پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آن نوشته شده بود: "ما کارگران جامکو ۱۲ ماه است که حقوق دریافت نکرده ایم".

## اعتراض جمعی از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نسبت به وضع حقوقی خود

جمهوری اسلامی ۱۷ مرداد: جمعی از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نسبت به وضع حقوقی خود تجمع نمودند. براساس این گزارش. عدم اجرای طرح نظام هماهنگ حقوقی در واحدهای وزارت بهداشت. فقدان مزایا. کمبود امکانات رفاهی. وجود تبعیض حقوقی بین پرسنل و بخشهایی از سطوح مدیریتی. عدم انطباق حقوق دریافتی با هزینه های سرسام آور زندگی و بی توجهی مسئولین وزارت بهداشت. درمان و آموزش پزشکی از جمله اعتراضات کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بود. این گزارش حاکی است تجمع کنندگان اعلام نمودند. در صورت بی توجهی مسئولین به خواسته های به حق خود. مجدداً در آینده مقابل استانداری به اعتراض خود ادامه می دهند.

## ۲۳ میلیون زیر خط فقر زندگی می کنند

روزنامه بهار ۹ مرداد: ۲۳ درصد از خانوارهای شهری و ۳۰ درصد از خانوارهای روستایی در سال ۱۳۷۷ زیر خط فقر نسبی قرار داشتند. یعنی ۳۵ درصد کل افراد کشور ۲۳ میلیون نفر) زیر خط فقر قرار گرفته اند. یک گزارش منتشر نشده در سازمان مدیریت و برنامه ریزی حکایت از بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال قبل از آن دارد خط فقر محاسبه شده در این گزارش بر مبنای هزینه ناخالص خانوار برای خانوار متوسط ۵ نفر شهری حدود ۸۸ هزار و ۶۰۰ ریال و برای خانواده های روستایی حدود ۵۲۰ هزار و ۵۷ ریال است. در کشور ما ۱۰ درصد ثروتمندترین اقشار درآمدی حدود ۳۱ درصد از کل مصرف جامعه را به خود اختصاص می دهند این سهم برای ۱۰ درصد فقیرترین حدود ۱/۵ درصد است. یعنی ۱۰ درصد بالاترین سطح درآمدی خانوارها بیش از ۲۰ برابر فقیرترین خانوارها مصرف می کنند. بر مبنای این گزارش. این رقم در مقایسه بین المللی وضعیت مطلوبی را نشان نمی دهد.

## زنان و مسیر رهایی

— نیلا

## خاتمی در آلمان

سه شنبه ۱۱ ژوئیه: بنا بر گزارش آسوشیتدپرس خاتمی در دیدار خود با سران اقتصادی آلمان غربی که تحت برنامۀ ای با عنوان «آغازی نو» بوده است، از طرف رهبران اپوزیسیون آلمان به خاطر نقض حقوق بشر در ایران مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد.

رهبران اپوزیسیون از سروردر، صدراعظم آلمان انتقاد کرده و گفتند که او سوابق ایران را پرده پوشی کرده است. Ruprecht Polenz رهبر حزب محافظه کار دموکرات مسیحی آلمان در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: لازم است که علنا و برای عموم توضیح دهیم که حقوق بشر در ایران وضعیت خوبی ندارد و خانم مرکل از اعضا، این حزب در صحنه‌های خود با خاتمی مسأله نقض حقوق بشر و شرایط زندگی زنان در ایران را مطرح کرد.

## سنگسار

دوشنبه ۱۷ ژوئیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت طی یک اطلاعیه از ۱۱ اعدام علنی در یک هفته یاد کرده است. همچنین یک زن ۳۰ ساله به نام مریم ایوبی محکوم به سنگسار گشته است. در این اطلاعیه آمده است که این سیزدهمین حکم سنگسار، در دوران ریاست جمهوری خاتمی است که ۶ تن از آنان زن بوده اند.

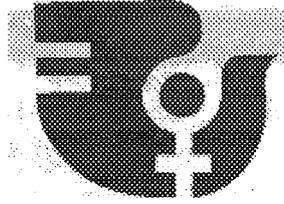
## زنان خودسرپرست در ایران

دوشنبه ۱۷ ژوئیه: روزنامه همشهری: در حال حاضر نزدیک به سه میلیون نفر از زنان کشور خودسرپرست هستند. دکتر ستاره فروزان، مدیر کل دفتر امور زنان و خانواده، در این باره می‌گوید: بسیاری از زنانی که دارای کمترین تجربه کاری و سرپرستی خانوار هستند ممکن است به ناگهان با وضعیتی ناگوار رو به رو شوند که مجبور به سرپرستی خانواده خود شوند. طبق تعریف این دفتر، زنان سرپرست خانوار شامل زنان بیوه، مطلقه، همسران زندانیان و حتی همسران سربازان می‌شود.

## دختران دبستانی و حق پوشیدن لباس رنگ روشن

سه شنبه ۱۸ ژوئیه - وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی اعلام کرد: از این پس استفاده از رنگهای شاد و روشن در مدارس ابتدایی مجاز خواهد بود به شرط این که زنده نباشد و با روح آموزش و فرهنگ هماهنگی داشته باشد.

در مورد پوشیدن چادر وزارت آموزش گفته است که چادر ارجحیت دارد و از آن به عنوان نشانه وقار و صلابت زنان و دختران جامعه اسلامی یاد کرده است.



دختران دبیرستانی شامل دستور جدید نمی‌باشند و همچنان باید از رنگهای سیاه، قهوه‌ای و آبی تیره استفاده کنند [آنها نیاز به شاد بودن ندارند].

## زنان ایران در قرن بیست و یکم

چهارشنبه ۱۹ ژوئیه - اخبار تلویزیونی رژیم ایران، ۱۰ زن برای اولین بار برای شغل آتشفشانی و برای نخستین بار یک دوره فشرده آموزش را می‌گذرانند. یکی از زنان که در لباس یونیفرم زرد رنگ با روسری خاکستری به زیر کلاه خود بود از این که توانسته است چنین شغلی را بگیرد ابراز خوشحالی کرد. جمهوری اسلامی همچنین پس از گذشت ۲۰ سال از انقلاب اقدام به گماردن زنان به شغل پلیسی کرده است.

محمدرضا خاتمی نیز پس از آن که به دبیر کلی جبهه مشارکت اسلامی انتخاب شد اعلام کرد که جبهه مشارکت آمادگی خود را برای حضور زنان در شورای مرکزی این جبهه و بدون در نظر گرفتن جنسیت اعلام می‌کند.

## خودکشی و مواد مخدر در ایران

پنجشنبه ۲۰ ژوئیه - حجت الاسلام زم، رئیس سازمان فرهنگ و هنر تهران در جلسه علنی شورای اسلامی شهر تهران گفت که بنا بر آمار، تعداد خودکشیها، ۱۰۹ درصد بالا رفته است. روزانه ۵۰۰۰ کیلوگرم مواد مخدر فقط در تهران به مصرف می‌رسد و سن متوسط زنان خودفروش از سن ۲۷ سالگی به ۲۰ سال یعنی ۷ سال کمتر رسیده است. (این آمار مربوط به سال ۷۶ تا ۷۸ است). او همچنین گفت ۸۰ درصد ثروت جامعه در دست ۲۰ درصد است و ۳ میلیون بیکار و ۲ میلیون معتاد داریم.

## مشکلات جسمانی دختران دانش آموز

سه شنبه ۲۵ ژوئیه - خبرگزاری دانشجویان ایسنا: ۹۷ درصد دختران مدرسه ای از بیماری پوکی استخوان رنج می‌برند. از ۱۵۰۰ دانشجوی دختر ۱۴۵۰ نفر مبتلا به بیماریهای استخوانی هستند که چنانچه مورد درمان قرار نگیرند احتمال بسیار می‌رود که قدرت حرکت را از دست داده و فلج شوند. دختران همچنین به خاطر لباس و رویوش بلند و روسری از ریزش مو و بیماریهای پوستی رنج می‌برند و معتقدند که مراکز ورزشی آنها بیشتر شبیه قفس و یا زندان است.

## زنان پیش نماز

سه شنبه اول اوت - دولت جمهوری اسلامی برای اولین بار به زنان اجازه می‌دهد که پیشنماز باشند. علی اصغر نوری گفت: این مشکل بزرگی را در مدارس حل خواهد کرد.

## مسعود کیمیایی

پنجشنبه ۳ اوت - مسعود کیمیایی به دلیل این که در آخرین فیلمش او به نام اعتراض- رعایت لباس اسلامی نشده و بدحجابی را تبلیغ کرده است به دانشگاه احضار شد. این فیلم گویای اعتراضات جوانان به محدودیتهای اجتماعیست.

## مددکاران زن در افغانستان

پنجشنبه ۲۰ ژوئیه - طالبان که از سال ۱۹۹۶ کنترل کابل، پسایتخت افغانستان را به دست گرفت. تا کنون که ۹۰ درصد خاک افغانستان را در اختیار دارد با حضور زنان در بین گروههای مددکاران بین المللی مخالفت کرده است. طالبان با این که در اوایل قدرت گیری خود این زنها را شدیداً تحت فشار قرار داد اما به مرور نرزشهایی نشان داد و به همین خاطر زنانی که کار خود را رها کرده بودند تدریجاً از طریق سازمانهای بین المللی به کار خود بازگشتند. اما آنها ناچار بوده اند که چادرهایی به سر کنند که تمام صورت و بدن آنها را بپوشاند. هفته پیش سازمان ملل متحد از دولت طالبان خواست که جواب قطعی و نهایی خود را برای کار زنان مددکار بدهد که طالبان طرفدارانش به آنها پاسخ منفی و قطعی دادند. این پاسخ شدیداً نمایندگان سازمان ملل را متأسف و خشمگین کرد.

## نیجریه و زنان

جمعه ۲۱ ژوئیه - زامفارا اولین ایالت نیجریه است که در این روز اعلام قوانین اسلامی کرد. مسیحیان ساکن این منطقه اعلام کردند که به قوانین اسلامی ترتیب اثری نخواهند داد.

در ماههای مه و مارس گذشته، صدها نفر در درگیریهای بین مسلمانان و مسیحیان بر سر دستورات دینی و اسلامی در ایالت کادونا در این کشور کشته شدند و تعداد زیادی نیز به خاطر مهاجرت مسلمانان شمال این کشور به مناطق جنوب شرقی که اکثراً مسیحی نشین هستند درگیر و کشته شده اند. غیر مسلمانان به خاطر مجازاتهای سخت مسلمانان از قبیل قطع اعضا بدن یا انجام مجازاتهای اسلامی مخالف هستند.

در زامفارا دولت پس از اعلام قوانین اسلامی سوار شدن زنان به تاکسیهای موتور سیکلتی را ممنوع اعلام کرد و به همین جهت درگیریها از سر گرفته شد.

نیجریه دارای ۱۱۰ میلیون جمعیت است که از ملیتهای گوناگون تشکیل شده و دولتی سکولار است که در مناطق مسلمان نشین اجازه اجرای قوانین اسلامی را به تازگی داده است.

## جنایت جنگی

جمعه ۲۱ ژوئیه - رئیس پلیس ویژه ارتش یوگوسلاوی به جرم این که یک زن اسیر جنگی که توسط سرباز زیر دست او و با حضور او با چاقو تهدید به مرگ شده و سپس مورد تجاوز قرار گرفته به ۱۰ سال زندان محکوم شد. سازمان ملل متحد در روز جمعه ۲۱ ژوئیه تجاوز به زنان را در دوران جنگ جنایت جنگی قلمداد کرد و اعلام کرد که این افراد باید در دادگاههای جنایتیابی جنگی محاکمه شوند.

## استرالیا و زنان مجرد

۲۲ ژوئیه - بنا بر قانونی مصوبه ۱۹۹۵ در استرالیا زمانی که برای دریافت اسپرم جهت بازدار شدن اقدام می‌کنند باید دو شرط اساسی را داشته باشند.

۱- یا ازدواج کرده و با همسر خود زندگی کنند و دارای خانواده ای ثابت و مطمئن باشند.

۲- یا با مردی زندگی کنند و دارای یک رابطه طولانی و جدی باشند.

این قانون دارا بودن پدر و مادر را برای کودک ضروری می‌داند و هیچ تفاوتی بین زنان بدون همسر و زنان همجنسگرا قائل نیست و بدین جهت همجنسگرایان نیز مشمول این کار می‌شوند. در این ماه زنان مجرد در اعتراض به این قانون به دادگاه شکایت کردند.

شکایت زنان در دادگاه به پیروزی آنان ختم شد و قاضی دادگاه اظهار کرد که این قانون با قوانین فدرال که علیه تبعیض جنسی است مغایرت دارد. دولت محافظه کار استرالیا روز سه شنبه ۱ اوت با مطرح کردن این که کودکان نیاز دارند که از محبت و سرپرستی پدر و مادر بهره مند شوند گفت سعی خواهند کرد که این قانون را عملی کنند.

## اسرائیل و قاچاق زنان

بنا بر گزارش سازمان عفو بین الملل در نشریه تابستان سال ۲۰۰۰، دولت اسرائیل در حفظ حقوق بشر زنان و دخترانی که از شوروی سابق به طور قاچاق جهت خدمت جنسی به این کشور آورده می‌شوند اقدامی نکرده و خود حقوق آنان را پایمال کرده است.

دولت اسرائیل با این زنان همان برخوردی را دارد که با جانیان دارد. این زنان به عنوان یک «کالا» توسط قاچاقچیان به هزاران دلار خرید و فروش می‌شوند و وادار به خودفروشی می‌شوند. دولت اسرائیل آنها را در محللهای مختلف دستگیر کرده و به زندان می‌اندازد و برخی را نیز اخراج می‌کند اما مردانی که مرتکب این عمل شده اند و یا به خرید و فروش این زنان دست زده اند کوچکترین مجازاتی شامل آنان نمی‌شود. سازمان عفو بین الملل می‌گوید که با این زنان هم دولت اسرائیل و هم قاچاقچیان طوری رفتار می‌کنند که انگاری آنان دارای حقوقی نیستند. خانم شیلا داور مدیر بخش حقوق بشر زنان سازمان عفو بین الملل می‌گوید اسرائیل موظف است که این زنان را از زندانها آزاد کرده و به خضونت و تجاوز علیه آنان خاتمه دهد.

در گوشه و کنار جهان



تیبیه و تنظیم: جعفر پویه

ناگو

خبرگزاری فرانسه ۲ مرداد: سران هفت کشور صنعتی جهان و روسیه در خاتمه نشست سه روزه خود در جزیره اوکیناوا ضمن ابراز نگرانی از افزایش مخالفت با جهانی سازی قول دادند به ریشه های فقر و منازعات در جهان بپردازند.

سران گروه هشت همچنین بر اهداف بین المللی برای کاهش نسبت جمعیت بسیار فقیر کره زمین به نصف تا سال ۲۰۱۵ تأکید کردند. و علاوه بر این اعلام کردند نگرانیهای افکار عمومی در برابر جهانی سازی اقتصاد را مد نظر دارند. اجلاس اوکیناوا همچنین خواستار دادن شتابی تازه به آزاد سازی تجارت جهانی در بطن سازمان تجارت جهانی شد. سران گروه ۸ در خاتمه نشست خود اطمینان دادند که پس از شکست کنفرانس سیاتل (دسامبر ۱۹۹۹) خواستار دور تازه مذاکرات با دستور جلساتی بلند پروزانه. متعادل و جهانی که به سود کلیه اعضای سازمان تجارت جهانی باشد. شده اند. آنان همچنین خواستار برگزاری یک کنفرانس بین المللی پیرامون قاچاق الماس که منازعات و بحرانیهای انسانی را به ویژه در آفریقا تشدید کرده شدند. در این حال. دهها تن از دانشجویان ژاپنی که صورتپاشان را پوشانده بودند برای دومین روز متوالی در مخالفت با نشست سران گروه ۸ و پیمان امنیتی توکیو - واشنگتن راهپیمای کردند. دانشجویان معترض در حالی که نیروهای پلیس دور تا دور آنان را گرفته بودند در نزدیکی قصر قدیمی سوری که سران برای صرف شام در آن به سر می بردند. شعارهای ضد آمریکایی سر دادند. یک سخنگوی راهپیمایان به خبرنگاران گفت که رهبران گروه ۸ جایبگذاران جنگی هستند. اما ادعا می کنند برای صلح به اوکیناوا آمده اند.

سئول

خبرگزاری فرانسه ۵ مرداد: هزاران نفر از کشاورزان کره جنوبی که خواستار اقدام دولت برای محدود کردن واردات محصولات کشاورزی از آمریکا بودند در تظاهرات خشونت آمیز با پلیس ضد شورش درگیر شدند. بنا به این گزارش حدود ۱۰ هزار نفر کشاورز در جریان راهپیمایی خود به سوی دفتر کیم دای جونگ. رئیس جمهور کره جنوبی با پلیس ضد شورش که برای جلوگیری از حرکت آنها مداخله کرد به زد و خورد پرداختند. در این زد و خورد دست کم ده کشاورز مجروح به بیمارستان انتقال یافتند و حدود ۲۰ نفر نیز دستگیر شدند.

کشاورزان تظاهرکننده همچنین یک پرچم آمریکا را که در آن هندوانه و سیب زمینی ریخته بودند آتش زدند و بطریهای حاوی مواد آتش زا به سوی پلیس پرتاب کردند.

لیما

خبرگزاری فرانسه ۸ مرداد: هزاران تظاهرکننده معترض به آغاز سومین دوره ریاست جمهوری آلبرتو فوجیموری. همزمان با برگزاری مراسم تحلیف وی در کنگره، به خیابانهای لیما سرازیر شدند و شعبه مرکزی یک بانک و کاخ دادگستری را به آتش کشیدند. مطبوعات پرو در این روز نوشتند گردهمایی ملی مخالفان علیه آغاز سومین دوره ۵ ساله ریاست جمهوری آلبرتو فوجی موری بیش از ۲۰ هزار نفر را به خیابانهای لیما کشاند. اما برگزارکنندگان این تظاهرات تعداد شرکت کنندگان در آن را بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر اعلام کرده اند. این تظاهرات که بنا بود پس از دو روز اعتراض تحت عنوان راهپیمایی چهار سویو (سویو = ایالت) به شب زنده داری دموکراسی بیانجامد به درگیری با طرفداران فوجیموری انجامید. در این حال گروهی از تظاهرکنندگان کاخ دادگستری لیما و گروهی دیگر شعبه مرکزی بانک ملی این کشور را آتش زدند. به گفته مأموران آتش نشانی که موفق به خاموش کردن آتش در کاخ دادگستری شدند. در آتش سوزی بانک ملی ۴ نفر کشته و ۲ نفر مفقود شده اند. درگیری بین مخالفین و موافقین فوجیموری بیش از ۳۰ مجروح بر جای گذاشت که در بین آنها یک خبرنگار نیز دیده می شود.

هراوه

خبرگزاری فرانسه ۱۰ مرداد: دولت زیمبابوئه بی درنگ ۳۰۰۰ مزرعه متعلق به سفیدپوستان این کشور را مصادره خواهد کرد تا بین هزاران سیاهپوست بدون زمین تقسیم کند. به گزارش تلویزیون دولتی زیمبابوئه. این تصمیم در جریان نشست اضطراری وزیران دولت و مسئولان بلند پایه این کشور اتخاذ شده است. در خاتمه این نشست ایگناتیوس چومبو وزیر ایالتی مسکن زیمبابوئه به خبرنگاران گفت: در طول این هفته تعداد زیادی از سیاهپوستان در همه ایالتهای این کشور مستقر خواهند شد و فهرست مزرعه هایی که توقیف خواهند شد. به زودی منتشر می شوند و این مزارع به ۹۰۴ مزرعه ای که در ژوئن گذشته مصادره شده اند اضافه می شوند. این در حالی است که مزرعه داران سفیدپوست اعلام کرده اند از سندیکاها و مخالفان پیروی خواهند کرد و به اعتصاب عمومی سه روزه که از چهارشنبه آغاز می شود. خواهند پیوست.

کلمبیا

رویتر ۱۵ مرداد: در پی آغاز اعتصاب یک روزه ۷۰۰ هزار کارگر دولتی کلمبیا در اعتراض به اقدامات ریاضت طلبانه دولت. نیروهای ضد شورش پلیس به همراه تانکها در مسیرهای ورودی شهر یوگوتا مستقر شدند. سخنگوی پلیس

کلمبیا گفت: معترضان سرخپوست و روستایی بزرگراهی را در منطقه مرکزی کشت قهوه مسدود کردند و افرادی که گمان می رود از شورشیان مارکسیست باشند یک دکل برق فشار قوی را در مرکز صنعتی مدلین در جنوب غربی کلمبیا با بمب منفجر کردند. رسانه های داخلی کلمبیا اعلام کردند: تظاهرکنندگان جاده اصلی متصل کننده استان جنوبی نارینو به اکوادور رامسند و سعی کردند رفت و آمد را در یکی از بزرگراههای نزدیک شهر کالی متوقف سازند.

سانتیاگو

خبرگزاری فرانسه ۱۹ مرداد: دیوان عالی شیلی با لغو مصونیت پارلمانی ژنرال پینوشه راه را برای محاکمه دیکتاتور سابق این کشور به خاطر جنایاتی که در دوران حکومت خود مرتکب شده است. باز کرد. هومبرتو اسپخو یکی از قاضیان دیوان عالی سانتیاگو گفت لغو مصونیت آگوستو پینوشه با ۱۴ رای مثبت در مقابل ۶ رای منفی به دست آمده است. دیوان عالی در واقع رای دادگاه استتیناف سانتیاگو را که در ۲۳ مه گذشته با ۱۳ رای موافق و ۹ رای مخالف به لغو این مصونیت رای داده بود تایید کرده است. دیکتاتور سابق این مصونیت را در مارس ۱۹۹۸ هنگامی که سناتور مادام العمر شده بود به دست آورد. این حکم همچنین ژنرال ۸۴ ساله را از وضعیت ویژه ای که اخیرا برای رؤسای جمهور سابق شیلی ایجاد شده است محروم می سازد. یک مسئول بلند پایه بنا که خواست نامش فاش شود گفت: پینوشه از همه حق مصونیت خود محروم شده است و بنا بر این دیگر هیچ حقی برای کسب هیچگونه مصونیتی ندارد. اندکی پس از اعلام رای دیوان عالی شیلی هزاران تن از مخالفان ژنرال پینوشه که در مقابل دانشگاه تجمع کرده بودند خوشحالی و رضایت خود را ابراز داشتند. در این حال ژنرال ریکاردو ایزوریتا فرمانده نیروهای مسلح شیلی در ملاقاتی با پینوشه در محل اقامت او به وی اطمینان داد که ارتش از او حمایت می کند.

برازیلیا

خبرگزاری فرانسه ۲۳ مرداد: ۲۰ هزار زن کشاورز برزیلی با برپایی تظاهراتی در برازیلیا خواستار پایان فقر و خشونت در مناطق روستایی این کشور شدند. در این راهپیمایی که با نام راهپیمایی گل مینسا و به دعوت کنفدراسیون ملی کارگران کشاورزی انجام گرفت زنان کشاورز که از سراسر برزیل آمده بودند خواستار اصلاحات ارضی. توزیع بهتر زمینها. دسترسی به وام. گشایش بیشتر جامعه و حداقل دستمزد در طول نخستین ماههای پس از زایمان شدند. تظاهرکنندگان همچنین به دخالتهای صندوق بین المللی پول در سیاست برزیل اعتراض کردند و این نهاد پولی را مسئول فقر در مناطق روستایی و کشاورزی این کشور دانستند. این تظاهرات که بزرگترین تظاهرات زنان در

تاریخ برزیل است. در چارچوب راهپیمایی جهانی زنان که در ۱۵۶ کشور برگزار شده. انجام گرفته است. تظاهرکنندگان به منظور دادن ابعدای سمبلیک به راهپیمایی خود به گروههای مختلف تقسیم شدند. تعدادی از آنها سبدهای خالی. سمبل گرسنگی و فقر در دست داشتند. تعدادی دیگر در مخالفت با خشونت برقراری صلح صلیب حمل می کردند و گروه دیگری گل هدیه می کردند.

لس آنجلس

خبرگزاریها ۲۵ مرداد: تظاهرات مخالفان سیاستهای تبعیض آمیز آمریکا با مداخله پلیس لس آنجلس به خشونت انجامید. همزمان با آن کنوانسیون ملی دموکراتها با سخنان بیل کلینتون کار خود را آغاز کرد. حادثه میانه هزاران تظاهرکننده خشمگین که برای رفع تبعیض در جامعه آمریکا شعار می دادند و با خشونت برقراری پلیس در لس آنجلس هنگامی روی داد که تظاهرکنندگان تصمیم گرفتند از مواعیتی که در اطراف محل برگزاری کنوانسیون ملی دموکراتها کشیده شده بود عبور کنند و خود را به نمایندگان شرکت کننده در کنوانسیون برسانند. پلیس برای متفرق کردن تظاهرکنندگان از گاز فلفل و گاز اشک آور. و همچنین شیلنگ آب و گلوله های پلاستیکی استفاده کرد. این در حالی است که در درگیری دیگری که کمی قبل میان گروه دیگری از تظاهرکنندگان و مأموران پلیس در مرکز شهر فرشته ها روی داده بود ۹ تن بازداشت شدند. در جریان این درگیریها بسیاری از فروشندگان با مشاهده تظاهرکنندگان خشمگین که در خیابانها لاستیکها را به آتش کشیده بودند. مغازه های خود را تعطیل کردند. این در حالی است که تظاهرکنندگان فریاد می کشیدند (اگر به هر یک از این دستگاهای منفور "دموکراتها و جمهوریخواهان" رای دهید. در واقع به ظلم و ستم به خودتان رای داده اید).

انکارا

ایرنا ۲۵ مرداد: دهها هزار تن از کارگران شاغل در شهرداری استانبول روز سه شنبه پس از بروز اختلاف بر سر میزان افزایش حقوق با کارفرما. اعتصاب کردند. کارگران شاغل در شهرداریهای مناطق مختلف استان استانبول دست از کار کشیدند و در مقابل ساختمان شهرداری تظاهرات کردند. مسئول سندیکای کارگران شاغل در شهرداریها گفتند. تا دستیابی به خواسته های خود در مورد افزایش دستمزدها به میزان ۷۰ درصد. به اعتصاب ادامه خواهند داد. شهرداری کل استانبول و شهرداریهای مناطق مختلف استانبول با عنوان این که دولت آنکارا در برنامه تثبیت اقتصادی خود نرخ تورم ترکیه در سال جاری میلادی را در شاخص قیمتهای مصرف کننده ۲۵ درصد در نظر گرفته است با تقاضای کارگران برای افزایش دستمزدها به میزان ۷۰ درصد مخالفت می کنند.

## ادبیات ایران در هزاره دوم

نگاهی به گذشته و اشاره ای به هزار سال مبارزه فرهنگی (۸)

— اسماعیل وفا یغمایی

جریان فکری و سیاسی جعفر ابن محمد (اسام ششم شیعیان) در دوران ابومسلم جعفر ابن محمد ششمین امام شیعیان دوازده امامی و اصلی ترین تدوین کننده اصول و فروع مکتبی که بعدها به نام شیعه اثنی عشری در سراسر ایران پراکنده شد در سالهای ۸۳ تا ۱۴۸ هجری و معاصر با ده تن از خلفای اسوی و دو تن از خلفای عباسی می زیست. روزگار او چون روزگار پدرش روزگار کثرت مکتبهای ریز و درشت مذهبی و جنبشهای سیاسی و شورشیها از جمله جنبشهای غالیان - شیعیان زیدی - شیعیان عباسی - جنبش زهد - شورشیهای خوارج - جنگهای مروان ابن محمد - عبدالله ابن معاویه و عبدالله ابن جعفر و بر راس تمام این شورشیها قیام جاهلان بود. او در هنگام اوجگیری جنبش سیاه جنگان در آستانه ینجاه سالگی قرار داشت و در حال ادامه تدوین اصول مکتبی بود که پیش از او پدرش محمد ابن علی (امام باقر پنجمین امام شیعیان) تا هنگام درگذشت خود در سال ۱۱۴ هجری در پی افکندن آن کوشیده بود. دوران پدرش آغاز دورانی بود که کار تدوین اصول مکتب شیعه شروع شد. تمام عمر محمد ابن علی در کشاکش بحثها و رقابتیهای گروههای مختلفی که خود را شیعه و بر حق ترین پیروان امام اول تا چهارم شیعیان می دانستند سپری شد. او سرانجام و به نقل برخی منابع به دست ابراهیم ابن ولید ابن عبدالملک فرزند دوم ولید بن تهاه آفرید مسموم گردید. اسناد مختلف بر رفتار مهربانانه، دانش، سخاوت، مبارزه اش با ایمان - تلاش او برای حفظ اصول و مقررات مذهب جدا از تمایلات شخصی و زهد و پارسایی او تاکید کرده اند. زهد و پارسایی و تاکید او در باره عدالت چنان بود که

باعث شد از همان زمان خود و بعدها از بنیادگذاران تصوف به شمار آید و عارفان و صوفیانی چون سفیان ثوری و عطار نیشابوری و بسیاری دیگر چون عبدالله مبارک - ابوعلی اردوبادی - ابن حجر هیتمی و ... علیرغم این که از بزرگان اهل تسنن هستند او را در اقوال و آثار خود سر خلیل زاهدان و صوفیان بدانند و از او با احترام بسیار یاد کنند. کار ناتمام او را در تدوین اصول مکتب و بحث و کنکاش با پیروان سایر مکاتب. فرزندش جعفر ابن محمد دنبال کرد. او در تمام عمر یکسره به این کار مشغول بود و از فرصتی که در هم ریختگی پایان روزگار امویان به وجود آمده بود نهایت استفاده را برای گسترش افکار و اندیشه های خود و پرورش شاگردان فراوان کرد. در دایره تفکر خاص معتقدان و پیروان او و اسناد مذهبی شیعه - او را چون سایر امامان دارای خوارج عادات و کشف و کرامات بسیار دانسته اند. فارغ از این نوع نگاه خاص. حاصل کار او چنان بود که پس از او علیرغم تمام حوادثی که رخ داد و تمام مدعیانی که در شاخه های مختلف شیعه پیدا شدند، اصول تدوین شده توسط او موجب شد پیروان او در راهی مشخص شده جلو بروند و سرانجام شیعه دوازده امامی مقبولیتی گسترده بیابد. دامنه دانش معلومات او وسیع بود. آن گونه که پیروان و بزرگان سایر نحلها ها و مذاهب به سراغ او می آمدند تا در حلقه درس او چیزی بیاموزند. نوشته اند ۹۰۰ تن از شاگردان او فقط در کوفه حضور داشتند و مالک ابن انس پیشوای مذهب مالکی، ابوحنیفه پیشوای مذهب حنفی، واصل ابن عطا پیشوای معتزلیان، داوود طائی عارف نامدار، جابر ابن حیان دانشمند معروف، از شاگردان او بوده و بر دانش و پیشوایی او اتفاق نظر داشته اند. پایزید بسطامی یکی از شگفت آورترین چهره های عرفان و پیشوا و آغازگر عرفان ایرانی و بنیادگذار انسان گرایی در عرفان از ۱۱۳ پسیر و معلم درس گرفت که یکی از آنان جعفر ابن محمد بود. اقوال اینان به ویژه از این نظر حایز اهمیت است که نشان می دهد جعفر ابن محمد نه تنها در نظر پیروان فکریش بلکه در نظر دیگرانی که

شماری از آنها چون ابوحنیفه و مالک ابن انس از بنیادگذاران و امامان مکاتب فکری دیگر بوده اند مقامی بلند داشته است. ابوحنیفه امام مذهب حنیفیان از بزرگترین شاخه های تسنن می گویند او قبیله ترین مردم بود. عطار نیشابوری که مولانا خود را شاگرد او می داند و در عرفان، یکی از قابل تأمل ترین عارفان و اندیشمندان ایرانی و از لحاظ مذهب از پیروان تسنن است در تذکره الاولیا با کلمات: مقتدای مطلق - شیخ الایمان - امام محمدیان، پیشرو اهل ذوق، پیشوای اهل عشق، مقدم عبادتگران و کریمترین زاهدان از جعفر ابن محمد نام می برد و این گونه احترام از سوی عطار که در آثارش به مجذوبان و شورشگران علیه شریعت رسمی و قوانین دست و پاگیر و خشن آن، نظر بسیار مثبتی دارد بسیار قابل تأمل است. به جز اینها، مجموعه مدارک تاریخی و نیز روایات و اسناد مذهبی نشان می دهد که او از اقتدار و احترام زیادی در میان اشراف مختلف و به ویژه در میان ایرانیان برخوردار بوده است. سخاوت او نسبت به دوست و دشمن و شیوه ملایم و مهربانانه و مجاب کردن منطقی مخالفان فکری به ویژه دامنه این احترام را بسیار وسیع کرده بود. اسناد به جا مانده نمونه های جالبی در این زمینه را نشان می دهند که ذکر آنها در طاقت این یادداشتها نیست. و آن هم که تا به حال به آن اشاره شد نه به خاطر بزرگداشت و احترام به یک شخصیت مذهبی شیعی بلکه توجه به نقش و شخصیت تاریخی جعفر ابن محمد در یکی از مقاطع مهم تاریخ ایران است. او در اوجگیری شورشیهای مردم در پایان دوران اموی، نقش بسیار داشت. وی بار اول ابوسلمه خلال همدانی از رهبران فکری شورشیان ضد موی را برای همکاری علیه امویان و به دست گرفتن ریاست ناراضیان و خلافت رد کرد و نامه ابوسلمه را نخونده در آتش افکند و گفت من آن کس که منظور شما هست نیستم و ابوسلمه از شیعیان دیگر کسان است. بار دوم بنا به نقل شهرستانی هنگامی که ابومسلم خراسانی از او همین تقاضا را کرد در جواب ابومسلم نامه کوتاهی نوشت که نه تو از یاران

منی و نه زمان زمان من و تقاضای او را رد کرد. دو تن دیگر از بزرگان خاندان علی، عبدالله ابن حسن ابن علی و عمر اشرف ابن زین العابدین نیز به تقاضای ابوسلمه جواب رد دادند و هنگامی که عبدالله ابن حسن علوی در جواب ابوسلمه گفتن سالخورده ام و با پسر بیعت کنید. جعفر ابن محمد به او هشدار داد که ای پیر مرد خون فرزندت را مریز، هنگامی که عبدالله ابن حسن گفت برخی از شیعیان ما نامه نوشته اند و از ما تقاضا کرده اند. جعفر ابن محمد گفت چه کسانی شیعیان تو هستند آیا آنها را می شناسی بعدها این هشدار به واقعیت پیوست و بنا بر نقل مآخذ مختلف از جمله تاریخ یعقوبی و مقاتل الطالیین خون فرزند عبدالله ابن حسن، معروف به نفس زکیه در جریان یک شورش ریخته شد و خود عبدالله ابن حسن نیز که فرزند فاطمه دختر امام حسین بود در سن هفاد و پنج سالگی پس از مدتها رنج و شکنجه در زندان درگذشت.

دوریهها در باره عکس العملها و مواضع ششمین پیشوای شیعیان در رابطه با شورش زید و یحیی، عمو و پسر عمویش، و جواب رد دادن به تقاضای ابومسلم و ابوسلمه و شیوه خاص زندگی او متفاوت است. شماری از مورخان عکس العملهای پنجمین ششمین پیشوای شیعیان را در رابطه با دولت اسوی و بعدها عباسی دلیل بر زهد و پارسایی و ترک مقامات دنیوی و میانه روی و اعتدال آنها دانسته اند و نتیجه گرفته اند آنان کار دنیا را به اهل دنیا و نهادهای دنیا به آخرت نهاده اند و اساسا اهل قیام و مبارزه قهرآمیز نبوده اند. شماری معتقدند ورود آنان، به ویژه جعفر ابن محمد، به کشاکشهای سیاسی آن ایام، به معنی پایان کار شیعه و بسته شدن دفتر آن بود. تا آن دوران هیچ فرصتی برای تدوین اصول اعتقادی و بنیادگذاری شیعه مورد نظر آنان باقی نبود. و اگر در دوران آنان این اصول تدوین نمی شد با آن شرایط خطیر و آن همه مکتب و مذهب و انشعابها در شیعه خطرات بسیاری در کمین بود و بر این می افزایند که آنان علیرغم اقتدار و نفوذ، با اشراف به شرایط سیاسی و

بافت و ساخت نیروهای جامعه پیرامون خود در آن روزگار و اطلاعاتی که از طریق پیروان خود در اطراف و اکناف و حتی در درون حکومت وقت و در میان عباسیان به دست می آوردند می دانستند روزگار بنی عباسی در راه است و حوادث بعدی یعنی ترور و قتل ابوسلمه خلال به دست نخستین خلیفه عباسی - با تایید ضمنی ابومسلم - و سرکوب خونین جنبش به آفریدیان خراسان و جنبش شریک ابن مهزی در بخارا در سالهای ۱۲۹ و ۱۳۹ هجری به دست ابومسلم و قتل ابومسلم به دست دومین خلیفه و سرکوب خونین و خشن شورشیای زیدیان و شکل گرفتن اختلافی دیگر و ماجراهای بعدی را دلیل می آورند. نوشته اند پیشوای ششم شیعیان به روشنی و وضوح خبر از برد سیاسی عباسیان و خلافت منصور خلیفه دوم عباسی داد و نوشته اند منصور پسر از رسیدن به خلافت و علیرغم نفرت از گسترش نفوذ دایره شیعیان پیرو جعفر ابن محمد به مثابه اصلی ترین رقیبان عباسیان، او را به نزد خود خواند و صادق نامید و همین پیشگویی سیاسی موجب شد که مدتی در آغاز کار خلافت، از جانب ابن جعفر ابن محمد و علویان پیرو او احساس خطر نکرده و آنان را به حال خود بگذارد. نظراتی فراعقلی و در چارچوب شناختی خاص، خیالی و ضد تاریخی توسط تعداد زیادی از نویسندگان مذهبی سنتی ابراز شده که چون این یادداشتها با اتکا به واقعیات تاریخی نوشته می شود از نقل این گونه نظرات می گذرم. این گونه نظرات البته در یک تحقیق کامل به عنوان بخشی از اعتقادات و باورهای مردم در طول تاریخ می تواند مورد تأمل قرار بگیرد و در روانشناسی مذهبی توده ها در طول قرنها به کار آید. ولی در این یادداشتها فرصتی برای پرداختن به آنها نیست. در پایان این بخش تاکید می کنم که در این زمینه یعنی تطبیق تاریخ تشیع با روند مادی تاریخ ایران کمبودهای جدی وجود دارد که با توجه به نقش جدی تشیع در تاریخ ایران بایستی به آن پرداخته شود. ادامه دارد

## جنبشی که همچنان

ادامه دارد ...

— نیلا

## گزارشی از فیلادلفیا

## تظاهرات به دفاع از مردم فقیر

روز دوشنبه ۳۱ ماه ژوئیه، جمهوریخواهان آمریکا برای معرفی نامزد انتخاباتی خود، جرج بوش که بنا به دعوت مقامات رسمی شهر فیلادلفیا در آنجا تجمع کرده بودند برنامه های چهار روزه خود را شروع کردند. جمهوریخواهان که اکثر طرفدارانشان افراد مرفه، سفید پوست و مردان را تشکیل می دهند به شهری آمده بودند که گرچه یکی از فقیرترینان ترین شهرهای آمریکا است اما مرکز شهر با خرج میلیونها دلار بازسازی گشته و با هتلهای بزرگ و مجلل و رستورانهای شیک و گران قیمت از توریستها پذیرایی می کند.

## جنبشی که ادامه دارد ...

هزاران نفر از فعالان جنبش ضد فقر و استثمار که بسیاری از آنان تظاهرات چند روزه سیاتل علیه WTO و واشنگتن در افشای صندوق بین المللی پول و بانک جهانی را سازماندهی کرده بودند، برای انجام تظاهرات بزرگی در شهر فیلادلفیا اجتماع کرده بودند.

## تور فیلادلفیا از طریق اینترنت

یکی از ابتکارهای مؤثر و جالب فعالان این جنبش ایجاد توری از فیلادلفیا بر روی شبکه اینترنت بود. آنها با عکسهای متعدد و توضیحاتی از تاریخچه این شهر، وضعیت زندگی مردم، بی خانمانان و بیکاران و کارگرانی که با داشتن شغل در فقر و فلاکت زندگی می کنند، چهره پشت پرده سرمایه داری را در مقابل چشم مردم آمریکا و مردم جهان قرار داده بودند. آنها می گفتند: هم اکنون که این شهر در مقابل چشم جهانیان قرار گرفته ما به شما و جمهوریخواهانی که در این شهر تجمع کرده اند چهره واقعی آن را نشان می دهیم.

آنها به این دلیل این شهر را برای تجمع خود انتخاب کردند که تجمل مرکز شهر را به چشم مردم آمریکا و مردم جهان بکشاند و بگویند که سیستم سرمایه داری آمریکا مؤثر بوده و اقتصاد ما قویست. مردم ما دارای کار هستند و کیفیت زندگی در دنیا بهترین است.

با این تور به محل زندگی مردم این شهر بیاید و ببینید آنها چگونه در اینجا زندگی می کنند. اینجا کینزیستون است. تنها یک محله از هزاران محله شبیه آن در سراسر آمریکا. اینجا جاییست که مردم فقط برای زنده ماندن تلاش می کنند و از «رشد اقتصادی» نصیبی نبرده اند. ۲۵ درصد مردمی که از فیلادلفیا و اطرافش

زندگی می کنند زیر خط فقر هستند کارگران فقیر با دارا بودن چند شغل باز هم نمی توانند مخارج خود را تامین کنند. اینجا یک میلیارد دلار خرج ساخت یک استودیوم ورزشی شده ولی هزاران خانه خراب در حال فروپاشی سقفهایشان هستند. حدود ۳۰ هزار خانه غیر مسکونی وجود دارد اما ۲۵ هزار نفر بی خانمان هستند. تازه این شامل کسانی که چند خانواده در یک خانه زندگی می کنند نیست. تنها ۴۴ درصد از کسانی که برای رای دادن به شهردار اسم نویسی کردند در انتخابات شرکت کردند. دمکراسی ما به عنوان یک نمونه درخشان به چشم جهانیان کشیده می شود ولی کاندیداهای ما حتی نیمی از مردم را نمی توانند به صندوق رأی بکشاند. در این شهر فقط ۱۷ درصد در انتخابات رئیس جمهوری شرکت کردند دلیل هم این است که فقط ۲ راه پیش پا داشتند جمهوریخواه یا دموکرات. در سال ۱۹۴۵ این شهر قلب صنعتی جهان بود. اما همه کارخانه ها را بستند و رفتند تا در نقاط دیگر جهان با کارگرانی با حقوق کم و بدون قانون پیدا کرده و آنها را استثمار کنند. آنها جهانی شدن را به جاهایی که سود کلانتر برایشان داشت بردند. کارگران همگی کار خود را از دست دادند و خرابه های کارخانه ها مواد شیمیایی و محیط غیر بهداشتی را باقی ماند آن وقت می گویند که این مردم فقیر و بی خانمان تنبل هستند.

## اولین روز تظاهرات

بیماران و معلولان روی صندلی چرخدار، مدافعان حقوق بیماران مبتلا به ایدز، دانش آموزان، سندیکاها، کارگری، فعالان حفظ محیط زیست، جوانان علیه استثمار کارخانه ها، بی خانمانها، اتحادیه دفاع از حقوق فقیران - که به دفاع از حقوق بی خانمانها سازماندهی شده اند - گروههایی که علیه دخالتهای آمریکا در آمریکای لاتین سازمان یافته بودند، اتحادیه کارگران برق، اتحادیه کارکنان بیمارستانها، شاغلان فقیر و بیکاران، سازمان ملی زنان، کمیته کر و لالان در دفاع از حقوق بشر جهانی. نمایندگان احزاب کارگری نیویورک و نیوجرسی و ... دهها گروه و سازمان و اتحادیه دیگر به همراه فعالان جنبش که این بار آن را «حقوق اقتصادی بشر» نام نهاده بودند همگی به هم پیوستند و در یک تظاهرات مشترک و یکدست خیابانهای مرکز شهر را پر کردند آنها چهار راهها را بسته و اقدام به برگزاری نمایش و تاتر، خواندن سرود و سخنرانیهای متعدد کردند. بسیاری از تماشاگران کناری نیز به آنها پیوستند، به طوری که جمعیت مجبور شد به کوچه های فرعی عقب نشینی کند. ۱۵ هزار روزنامه نگار، گزارشگر رادیویی و فیلم بردار از این تجمع عظیم و به طور چشمگیری منظم و سازمان یافته گزارش تهیه می کردند.

پلیس با استفاده از تجربه تظاهرات سیاتل و واشنگتن خود را کاملاً برای این

تظاهرات آماده کرده بود. در این روز ۱۵ نفر از تظاهرکنندگان از گروهی که علیه دخالت نظامی آمریکا در کشورهای آمریکای لاتین شرکت کرده بودند دستگیر شدند. این گروه یکی از چهار راهبای مرکز شهر را بسته و اقدام به برگزاری نمایشی کرده بود که یک نفر بسا گذاشتن کلاه عمو سام و پوشیدن لباس او. دستور اعدام پانچوها که روستائیان فقیر و بدون زمین مکزیک، گواتمالا، کلمبیا و السالوادور هستند را می داد. چند نفر که نقش سرباز را بازی می کردند جسدها را روی زمین می کشاندند که رنگ قرمز به نشانه خون آنها روی زمین روان می شد. پلیس به تظاهرکنندگان نیم ساعت وقت داد که چهار راه را تخلیه کنند و سپس آنها را به جرم مسدود کردن خیابان دستگیر کرد.

این تظاهرات یکی از اهدافش حمایت از ۲۵ میلیون مردم فقیر آمریکا بود که بسیاری از آنان در اثر قانون قطع مدهای اجتماعی کلینتون به بی خانمانان بیکار تبدیل شده بودند. برخی از تظاهرکنندگان تی شرتهای خاکستری رنگی پوشیده بودند که روی آن نوشته شده بود: نامرغیها در آمریکا. فقیرها را پنهان می کنند.

شعارهای آنان شامل «بهداشت و درمان، حقوق بشر است»، «مسکن حقوق بشر است»، «شغل مناسب حقوق بشر است» و ...

تعداد قابل چشمگیری از جوانان که تقریباً همگی سفید پوست بودند پس از ۳ مایل و نیم راهپیمایی به مرکز شهر رسیدند و شعار می دادند. وقت آن رسیده که از بیل گیت مالیات بگیرند» و «مقر باید برود». نمایندگان جمهوریخواهان از پنجره هتلها و سالنهای جلسات، تظاهرکنندگان و مردمی که برای آنها سوت می کشیدند و دست می زدند را تماشا می کردند. یک کارگر ساختمانی به یکی از خبرنگاران گفت «اینجا آمده اند اینجا مهمانی ما، خودمان نان شب نداریم بخوریم».

## سخنرانی دو زن

خانم Cheri Hoakala گفت: «مردم فقیر هیچ گونه دسترسی به هیچ یک از دو حزب جمهوریخواه و یا دموکرات ندارند. تحت رئیس جمهور دموکرات و رفرم او ما مدهای درمانی را در این کشور از دست دادیم. حقوقی برای تحصیل و آموزش و پرورش نداریم. حزب دموکرات ما را نمایندگی نمی کند این را ما می دانیم زیرا ما هستیم که مرده هایمان را به خاک می سپاریم. ما ... ما فقر زده ها. بنا بر این ما مجبور شدیم جنبشی را ایجاد کنیم و در اتحاد با حزب کارگران حزبی عظیم را ایجاد کنیم که ما را نمایندگی کند. تا زمانی که همه ی افشار و طبقات این جامعه نمایندگی نشوند هیچ چیزی عوض نخواهد شد. این تنها راه در اختیار گرفتن آینده است».

خانم Branda Stokely گفت: «ما نباید درخواست کنیم، التماس کنیم

آنها برای چیزهایی که حقوق اولیه بشر است. ما چیز اضافه و حق اضافه نمی خواهیم. ثروتمندان طوری رفتار می کنند که ما درخواست زیادی و اضافه داریم. تنها راه عوض کردن وضع ما ایجاد یک سازماندهی سیستماتیک است. باید در مراجع تصمیم گیری راه پیدا کنیم باید به ماست و مال ماست. بدین طریق بنیادهای سیستمی این کشور را بازسازی کنیم. در این کشور یک اقلیت بسیار کوچک بهترین بیمه درمانی را دارد. بهترین دسترسی به تحولات و آموزش. بهترین در جهان را در دست دارد آیا آنها بیشتر از ما بشر هستند اگر جواب نه است ما باید سازماندهی بیابیم و حزب کارگران را بسازیم».

## روز دوم تظاهرات - سه شنبه اول اوت

در این روز تظاهرات به خشونت کشیده شد. به گفته پلیس تا نیمه های این روز ۲۸۲ نفر دستگیر شدند و چندین پلیس به خاطر مایعی که تظاهرکنندگان به صورت آنها ریخته بودند به بیمارستان برده شدند و به حدود ۲۰ اتومبیل پلیس صدمه وارد شد.

در این روز آثارشستبا به ماشین پلیس رنگ ریختند و درگیری با پلیس از هر طرف به طور مداوم بالا گرفت. پلیسهای که افراد را دستگیر می کردند دستکشهای سیاهی با آرم نایک در دست داشتند و تظاهرکنندگان فریاد می زدند: ما می دونیم شما برای چه کسانی کار می کنید».

تظاهرکنندگان از این که وسایل ارتباط جمعی همواره درگیرها را به سراسر جهان گزارش می دادند ایراز خشونتی می کردند و می گفتند بر هم زدن وضع عادی جامعه تنها راهیست که آمریکا و جهان برسانند. تظاهرکنندگان دستها را زنجیروار به هم گره کرده بودند. یک نفر از سازماندهندگان اتحادیه های کارگری نیویورک به خبرنگاران گفت:

«جمهوریخواهان و دموکراتها هیچ یک ما را نمایندگی نمی کنند و نفر دیگری که صد ۳۱ ساله. سفید پوست، استاد دانشگاه. دارای همسر. از طبقه متوسط و خشمگین از نابرابری اقتصادی هستیم آن قدر خشمگین که به دستگیر شدن اهمیتی نمی دهم. پلیس که در روز اول به تظاهرکنندگان التماس می کرد که کاری نکنند که آنها را مجبور به دستگیریشان کنند و می خواستند از خود چهره خوبی بر جای بگذارند در این روز با خشونت اقدام به شکستن زنجیرهای انسانی کرده و آنها را مجبور به ترده کردند».

۶ اوت - پس از گذشت یک هفته ۳۶۹ نفر در اسارت پلیس هستند که ۱۵۰ نفر آنها در اعتصاب غذا هستند. تخریب ۲۳ ماشین پلیس و صدمه به ۱۵ پلیس. هنوز این شهر در تب و تاب این جنبش به سر می برد. تظاهرات در مقابل بقیه در صفحه ۱۳

## دو زن - مرضیه و گوگوش

میان ماه من با ماه گردون

تفاوت از زمین تا آسمان است

— لیلیا

مرضیه و گوگوش سه وجه مشترک با یکدیگر دارند. اول این که هر دو آنها زن هستند. دوم. این که هر دو هنرمند و خواننده و سوم این که هر دو از یک سرزمین و محکوم به زندگی در یک رژیم ارتجاعی و ضد انسانی، ضد زن. ضد هنرمند. ضد همه خوبیها. زیباییها. عشق. ترانه. شادی. رقص. پایکوبی و آزادی مردم و ضد همه چیزهای خوب زندگی. بوده اند. رژیمی که نیازهای طبیعی انسانها را گناه و خلاف شرع می داند. به هر حال همین چند وجه مشترک ظاهرا باید کافی باشد تا هر هنرمندی. و به ویژه هر هنرمند زن ایرانی حداقل عکس العملش در مقابل این رژیم سکوت باشد. همگان شاهدند که ما هیچ وقت پا روی دم کسانی که از ایران بیرون آمدند و کنسرت اجرا کردند و به ایران بازگشتند و حرفی و شعاری و یا رهنمودی به ما خارج کشورها ندادند که از مبارزه دست بکشیم یا نکشیم. نگذاشتیم هر چند دروغ چرا ته دل آرزو می کردیم که آنها تبدیل به یک هنرمند معتمد و مردمی شوند و به افشاء رژیم بپردازند ولی به روی خودمان نیاوریم و حتی برخی از رفقای ما از حق آنها دفاع هم کردند. البته درست است که هر وقت یکی از هنرمندان سرشناس ایرانی به این طرف دنیا می آید هزاران چشم به او دوخته می شود و هزاران گوش به لبهای آنان. اما ما هرگز به طرفشان خیز برداشتیم که چرا صدای مردم درمند و تحت ستم ایران را به گوش همگان نمی رسانند و خلاصه این که هرگز نگفتیم یک هنرمند حتما باید یک ستاره در عالم هنر و تعهد باشد و نگفتیم هم که مانند مرضیه باید حتما بیاید و صدای سرکوب شدگان را به گوش جهانیان برساند و بعد هم برود برای رزمندگان ارتش رهائیبخش بخواند و دل آنها را گرم و شاد کند. اما این را هم که خانم گوگوش بعد از یک عمر که خواننده حالا باور بکنم یا که باور نکنم دردی درمون نمیشه کاری آسون نمیشه... امروزه که دیگر مثل روز روشن شده این رژیم و تمامی دسته بندیهایش پوشیده و ارتجاعی و محکوم به سرنگونی هستند. امروز که دیگر اعتراضات و جنبشهای مردمی آنقدر پیش رفته که دست یک یک به اصطلاح اصلاح طلبان را هم باز کرده. به اینجا بیاید و به ما بگوید به فکر انقلاب نباشید مردم اصلاحات می خواهند یعنی به زبان دیگر مردم خاتمی و گنجی و حجازیان و... این دارد دسته منحط را که حتی یک بار به یکی از سنگسارها که ۶ تای آنها

هم زن بودند اعتراض نکردند اما می خوانند. گوگوش بهتر بود حرف راست را از ته دل مردم ایران می گفت که خواستار انقلابی دیگر که تمام قاتلان و شکنجه گران را به پای میز محاکمه بکشاند، هستند. اما راستی موضوع از چه قرار است. دو حالت دارد یا گوگوش بیسواد است و هیچ چیز نمی خواند. و بنابراین در بین مردم عادی هم نمی گردد. دارای شغل و مشکل پرداخت خراج بیمارستان و عقب افتادن یک سال و نیم حقوق ناچیز کارگری و عزیزی که تحت شکنجه و اعدام این رژیم باشد و غیره... ندارد بنابراین از کجا بداند و یا این که نفسش را با نفس متعفن رژیم پیوند ناشگون زده و به انسانیت و شرافت پشت کرده است. متأسفانه بعضی از روزنامه نگاران ایرانی هم از هول حلیم افتادند توی دیگ پولهای تبلیغات و در کانادا اول خبر آمدن و مصاحبه با او را در بوق و کرنا کردند و بعد هم با جشن و سرور دور هم به حساب لوله تریاک رسیدند (اسمهایشان فعلا محفوظ بماند) و دست در ریش رژیم به ریش شرافت و انسانیت خندیدند اما جالب اینجاست که مردم عادی که از ایران می آیند حتی پدر و مادرهای پیر به کل این رژیم لعنت می فرستند و می گویند: خدا الهی نسل همشون را براندازد. حتی حالا دیگر با اوج گرفتن اعتراضات در داخل دو ریالی خیلها هم بالاخره افتاده و کم کم اعتراف می کنند که خاتمی قریص آسپیرین هست ولی درمان درد نیست و یا به قول خود خامنه ای خاتمی گریاچف نیست.

اما راستی به قول خود گوگوش آدما آی آدمای روزگار چی می مونه از شماها یادگار، چه بد که نسل من او را دوست داشت و حالا یک مشت خاطره خوب لکه دار شد. اما چه خوب که ما زنی مثل مرضیه را داشتیم که برایمان آواز خواند که «دو سه شبه که چشمام به درد. دلم گرفته و منتظره خدا کند که خوابم نبره».

اما چه بدتر که زنی مثل گوگوش که خودش از بچگی تحت ستم و استثمار چندگانگی. چه از جانب شوهرانش و چه از طرف رژیم بود در سن ۵۰ سالگی باز هم نفهمید که چگونه بازیچه دست این ستمگران شده است.

چه بد برای خیلی آدمها و خصوصا زنها که یک عمر به آنچنان درک و آگاهی نرسیدند که از خود و از نوع خود دفاع کنند و از هر فرصتی برای دفاع از عدالت. آزادی و برابری انسانها استفاده کنند.

اما چه خوب که زنان شجاع و بی پروایی هم بودند که هرگز تسلیم نشدند و با مرضیه خواندند. خدا کند که خوابم نبره... تو این قفس که زندون منه.

## جنبشی که همچنان ادامه دارد

بقیه از صفحه ۱۲

زندانبانان ادامه دارد و طبق گزارشهایی از داخل زندان با زندانیان به سختی و خشونت رفتار می شود و کلاهی زندانیان خشمگین از مراجع قانونی هستند و زندانیان از دادن اسمهای خود به پلیس و مراجع قانونی مناعت می کنند و همگی خود را با یک نام معرفی می کنند. مقامهای پلیس فیلادلفیا نیز به سختی خشمگین هستند و معتقدند چیز بدی در جریان است و باید جلسوی پیشروی آنها گرفت آنها می گویند این افراد باید کنترل و مورد تحقیق و بررسی قرار بگیرند.

همان طور که تظاهرکنندگان خود را برای تظاهراتی دیگر در کالیفرنیا و علیه تجمع دموکراتها در دو هفته آینده آماده می کنند پلیس فیلادلفیا اعلام می کند که حاضر است با پلیس کالیفرنیا برای کمک همکاری کند.

پس از تظاهرات سیاتل در مخالفت با WTO و تظاهرات در واشنگتن علیه IMF و WB دیگر هم برای تظاهرکنندگان و فعالان جنبش عدالتخواهی و هم برای پلیس مسلم و مبرم گشته که جنبش عظیم علیه سرمایه داری و فقر تولد یافته است.

## خبرگزارها

واشنگتن پست: هزاران تظاهرکننده که بیسی از دستگیرشدن نداشتند و در میان آنها مادران به همراه کودکانشان، افراد زیادی روی صندلی چرخدار مرکز شهر را احاطه کردند. پلیس مجبور شد به گوشه ای ایستاده و تظاهراتی را که به آن اجازه نداده بود تماشا کند.

فیلادلفیا اینکوآر: این تظاهرات به تمام معنی موفقیت آمیز بود. دیدن هزاران نفر تحت رهبری سازمانهای چند نژادی و چند ملیتی که برای عدالت اقتصادی همصدا شده بودند واقعا تحسین آمیز بود. رویتر: یک کشیش گفت: ما به اینجا آمده ایم که چهره مردم فقیر را به جمهوریخواهان نشان دهیم.

آسوشیئدپرس: یکی از سازماندهندگان تظاهرات گفت: «ما در این لحظه به موقعیتی استثنایی دست یافته ایم که به مردم این کشور و مردم جهان نشان دهیم که چه مصمم و جدی هستیم و برای مسائلی چون بی خانمانی و فقر حتی حاضریم به زندانبانان برویم.

روزنامه فیلادلفیا: تمام دولین گفت «این راهپیمایی متعلق به همه است. همه ما یک یک حقوقی از فقر فاصله داریم»

شیکاگو تریبون: ۳۰۰۰ تن از فعالان ضد فقر با نظمی چشمگیر در پارک راهپیمایی کردند. پس از راهپیمایی یکی از رهبران گفت: ما پیروز شدیم و از این پس ما دیگر اجازه نمی دهیم با ما مثل سگ هار رفتار شود و دیگر اجازه نخواهیم داد حقوق بشر در این کشور پایمال شود».

## پلیس و ارتش چک برای تظاهرات ضد

صندوق بین المللی پول. خود را آماده می کنند

۱۱ اوت: رستورانها مرغ سوخاری، کنتاکی و پیتزاهای برای شیشه های پنجره رستورانهای خود سفارش شیشه داده اند. همین طور فروشگاههای مواد غذایی انگلیسی LESCO نقشه بستن این فروشگاهها را می کشند. مک دونالد خوشبین است و خیال دارد باز بماند. وزارت جنگ چک ۱۱ هزار پلیس را آماده می کند و چند صد هزار سرباز را در حالت آماده باش قرار می دهد. مدارس و تئاترها و سینماها تعطیل خواهند بود. وزارت جنگ چک در یک شبکه اینترنت به جوانها تذکر می دهد. دست به حرکات بچه گانه نزنید. ما را خشمگین نکنید. بزرگسالان مواد غذایی و دارو ذخیره می کنند.... و دل به مقامات دولتی می بندند.

بله به نظر می آید که زمان جنگ است. اما نه همه این تدارکات برای میتینگ سالیانه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی که به مدت ۱۰ روز در ۱۹ سپتامبر آغاز خواهد شد و قرار است حدود ۱۸۰۰۰ نفر از مقامات رسمی و نمایندگان کشورها را به جنگ بکشاند. می باشد. پراگ از سال ۱۹۹۳ مشتاقانه این روز را که سنبل بازگشتش به سرمایه داری و نزدیکی به غرب است را انتظار می کشد.

اما از آن زمان تا به حال جنبشی در مخالفت با این دو نهاد و علیه جهانی گشتن اقتصاد و تجارت شکل گرفته است. از هم اکنون بر روی شبکه اینترنت برای مخالفت با سیاستهای این دو نهاد و تظاهرات در پراگ تبلیغ و برنامه ریزی می شود.

این شبکه برای مبارزه علیه سرمایه داری جهانی و فقر و بی عدالتی. مردم سراسر جهان را دعوت می کند. آنها می گویند: «بیایید پراگ را به سیاتل کنیم». در نوامبر سال قبل ۴۰ هزار نفر شهر سیاتل را منقلب کردند با پلیس درگیر شدند و جلسات میتینگ سازمان تجارت جهانی را مختل کردند. انتظار می رود در این تظاهرات حدود ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر شرکت کنند. این تعداد شاید بزرگترین هجوم خارجیها به این کشور از سال ۱۹۶۸ که ارتش سرخ به اینجا وارد شد باشد.

هاول رئیس جمهور چک برای جلوگیری از درگیریهای شدید قبول داده است با نمایندگان برخی از گروهها دیدار کند و قرار است که استودیوم ورزشی strahov را با برپا کردن چادر و توالتهای سیار در اختیار تظاهرکنندگان قرار دهند. اما برخی از محافظه کاران باین اقدامات مخالفت کرده اند. یکی از مقامات قانونگذاری این کشور گفت بگذارید ایس تظاهرکنندگان درس بخوانند. دو زبان خارجی را یاد بگیرند چند سالی در بانکی کار کنند بعد حق دارند در باره صندوق بین المللی پول نظر بدهند. از قرار معلوم به این گفتن حماقت آمیز هیچ کس لبخندی هم نزده است.

گفته می شود که سازماندهندگان این تظاهرات به خاطر سابقه خشونت آمیز پلیس چک در وحشت هستند. اما با این حال برای برگزاری تظاهرات صلح آمیز و اجرای تئاتر. موسیقی و رقص که همگی جهت آگاهی بخشیدن است و به قصد سازمان دادن تظاهراتی عظیم علیه سرمایه داری جهانی و جهانی شدن بیش از پیش خود را آماده می سازند.

## زندگی در هایم پناهدگی -

«ما مدت‌هاست که مرده ایم و هم چنین هنوز زنده ایم»

برگرفته از روزنامه

Fursten feld bruck

ترجمه: حیدر اصلانی

انسان می تواند به وسیله یک ضبط صوت کوچک قدیمی و کهنه که حدود ۷۰ سال از عمرش گذشته و از دستفروشی دوشنبه بازاری تهیه شده است. آهنگهایی که اوچ ارزش عشق و محبت را آواز می دهد، گوش کند. سخنگویی از ایران. احساسات میهمانان را برمی انگیزد و همچنان که کاستی با آوازی خوش به گوش می رسد می گوید: (موزیکی از وطن من) و توضیح می دهد که: این نوار از عشق دو ماهی صحبت می کند که از آزادی و عشق دم می زند. ولی این کلمات در وطن من قدغن است. و این سرودی است از اوضاع سیاسی ایران.

سرکوب آزادی بیان. دوستی. عشق و حق زندگی  
این ایرانی دو سال پیش از رژیم دیکتاتوری - مذهبی جمهوری اسلامی گریخته است و در هایم پناهدگی اطراف مونیخ به سر می برد. جایی که دارای دو ساختمان مجزا با حدود ۵۶ پناهنده از کشورهای چون ایران - افغانستان، توگو، پاکستان و غیره است. به هتل مرگ خوش آمدید جمله بزرگی که روی درب ورودی ساختمان نوشته شده بود. سخنگوی ایرانی و دیگران سعی می کردند این جمله را توضیح دهند. پناهندگان می گفتند، ما مدت‌هاست مرده ایم و هنوز متحرک و زنده هستیم. ما هیچ برنامه مشخصی نداریم و نمی توانیم داشته باشیم (حق کار، حق تفریح، تحصیل، و ...). بر طبق قانون دولت آلمان از ماه مه ۱۹۹۷، هیچ متقاضی پناهدگی حق کار ندارد و به او اجازه کار داده نمی شود. پناهجویان تا یک محدوده مشخصی حق رفت و آمد دارند و اگر از محدوده خود بدون اجازه خارج شوند، با جریمه و توهین و دادگاه روبرو خواهند شد. [تبعیدگاهی از نوع اروپایی با برچسب حقوق بشر]

یک جوان حدود ۱۹ ساله از افغانستان که تازه از خواب برخاسته. با چهره ای آشفته و افسرده می گوید: ما فقط اینجا برای خوردن و خوابیدن هستیم و غذاهای یکنواخت و مشخص به ما می دهند و خواب ما با اضطراب و تشویش همراه است. چرا که پلیس حق دارد هر ساعتی که دلش می خواهد به هایم آمده و اتاقها و پناهجویان را کنترل کند. به هر حال آرام و قرار نداریم. من دوست دارم درس بخوانم و پیشرفت کنم ولی چطور؟ همین طور که جوان افغانی با ناراحتی سخن می گفت. مرد ایرانی در ادامه حرفهای او با حالت خاصی عنوان کرد: چرا جوانی به سن و سال مشابه ایشان زیاد است. بایستی از صبح تا شب در گوشه ای بنشینند و از کار، تحصیل و زندگی و تفریح محروم باشند. چرا بایستی غذای تحمیلی و مشخص دریافت کنیم؟ مثل زندان که همیشه غذایی مشخص و معین شده به زندانی می دهند و او هم حق هیچ گونه اعتراضی ندارد و هیچ وقت اجازه ندارد آنچه را که می خواهد.

داشته باشد و اگر هم اعتراض کند، با جریمه، توهین و ... مواجه می شود. سخنگوی ایرانی ما را به آشپزخانه هایم دعوت می کند. در آشپزخانه یک درخت خشک وجود دارد که بر روی درخت تعدادی تخم مرغ شکسته، نوشته ها و تعدادی تله موش می باشد. او گفت که این درخت سمبل درخت کریسمس هایم پناهدگی است. خبری از رنگهای مختلف، شیرینی، هدیه و سبزی و نشاط نیست. و این توضیحی است مشخص و رنج آور از جشن سال ۲۰۰۰ در مکانهای فراموش شده و تفاوت زندگیها در یک جامعه به اصطلاح آزاد و حامی حقوق بشر و دموکراسی.

او ادامه می دهد: این سمبل نشان می دهد که ما می بایستی چگونه زندگی کنیم! سپس او جعبه ی شیشه ای را بالا آورده که داخل آن تعدادی موش وجود داشت. او گفت: اینها میهمانان ما هستند. روی دیوار هم مطالبی از این قبیل نوشته شده بود ۱- درخت کریسمس ۲- برابری برای همه.

انسان هم چنین می توانست آنجا بخواند که: همه انسانها برابر هستند و او سعی می کند با احساسات رنج آوری توضیح دهد که اینجا کسی به فکر کسی نیست و ما فراموش شدگانی بیش نیستیم. پناهجویان می بایستی هفته ای دو بار جیره غذای خشک از دفتر هایم دریافت کنند. غذایی یکنواخت و گاهی هم مسئول دفتر هایم می گوید که اینجا برای شما مثل یک هتل است و یا یک بهشت؟ سخنگو ادامه می دهد. ما شاید دوست داشته باشیم. غذای دیگری که علاقه داریم مصرف کنیم. چرا بایستی همیشه یک غذای مشخص و تحمیلی برای ما در نظر گیرند. من خود بایستی تصمیم بگیرم که چه می خواهم بخورم یا بپوشم. آیا این حق انسانی من نیست؟ از طرفی. این چه معنایی دارد که هر هفته به دفتر هایم مراجعه کنیم و جعبه های غذای بی مصرف و مزخرف دولت آلمان را با هزار طعنه دریافت کنیم.

آیا این تبعیدگاهی دیگر نیست؟  
مرد جوان افغانی، همین طور که سرش را به علامت اعتراض تکان می دهد می گوید: مونیخ از ما دور نیست. ولی ما بایستی اینجا در هایم بمانیم و اجازه نداریم از محدوده مشخصی خارج شویم و همیشه بایستی در منطقه مشخص قدم بزنیم. سخنگوی ایرانی ادامه می دهد. اینجا مثل خانه بیماران روانی و دیوانگان است. اینجا کسانی هستند که ۷ سال در هایم زندگی کرده اند و خود به خود راه می روند و می خندند و همیشه افسرده اند. بدون ارتباط خارجی - محدود - بدون زندگی در کنار قشر مردم و طرد از جامعه. این گونه مقدر نیست. چرا ما را بایستی در این حصار زندانی کنند؟ و حقوق ما را پایمال؟ زندگی به هر شکل در هایم بسیار خسته کننده و غیر منطقی است. خوراکی اجباری، خواب با پریشانی، برخاستی با سستی و ضعف و هزاران اضطراب از قوانین جدید و ارتباطات دولتها به خاطر منافع اقتصادی و شخصی و در نتیجه ترس و وحشت از بازگرداندن اعدام و شکنجه. به دلیل مذاکرات مخفیانه و ضد حقوق انسانی با برچسب امن بودن، رفهرم، جامعه مدنی و گشایش و غیره. در کشور ایران رژیم ارتجاعی مذهبی گردن انسان را با چاقو می برد و در آلمان این کار را با پنجه انجام می دهند. آهسته خیلی آهسته، یعنی با پنجه سر می برند. توضیح: این مطلب توسط نبردخلق کوتاه شده است.

## مجازات عوامل سرکوبگر

## خواب هستی

ب.پرستو

دبیرخانه شورای ملی مقاومت طی اطلاعیه هایی اعلام کرد که روز سه شنبه ۱۱ مرداد هنگامی که مأموران نیروی انتظامی در بیرون حسینیه اعظم شهر برازجان (جنوب ایران) برای گروهی از جوانان شهر مزاحمت ایجاد کردند، یکی از جوانان با سلاح کلاشینکف بر روی مأموران رژیم آتش گشود و دو تن از مأموران نیروی انتظامی را مجروح کرد. مأموران تعدادی از جوانان شهر را دستگیر کردند.

در زاهدان (جنوب شرق ایران)، تعدادی از جوانان با تهاجم غافلگیرانه به یک بسیجی سرکوبگر، وی را به شدت

مضروب کردند و متواری شدند. در تربت حیدریه در استان

خراسان (شمال شرق ایران)، تعدادی از جوانان با تهاجم غافلگیرانه به یک بسیجی سرکوبگر، وی را به شدت

مضروب کردند و متواری شدند. به نوشته روزنامه حکومتی رسالت

۲۱ تیر، جوانان تربت حیدریه به این بسیجی گفته بودند: شما بسیجیان را باید کشت و شما را

با اسلحه هم که شده از شهرمان بیرون خواهیم کرد.

تعدادی از جوانان مخالف رژیم آخوندی در شهر طبقه مشهد حوالی ساعت ۲ بامداد

دوشنبه ۱۷ مرداد با پرتاب سه کوزکتل مولوتف به داخل یک

مرکز بسیج سپاه پاسداران در این شهر، خسارات سنگینی به این مرکز وارد آوردند. همچنین چندی

پیش در شهر قم نیز دو تن از مزدوران بسیج توسط جوانان مخالف مورد حمله قرار گرفتند و

با ضربات چاقو به شدت مجروح شدند. این حادثه هنگامی روی داد که عناصر سرکوبگر بسیج به

مردمی که در یک ایستگاه فروش آب آشامیدنی در خیابان گلستان

به سران رژیم به خاطر وضعیت نابسامان کشور دشنام می دادند.

حمله در شدند. تعدادی از جوانان که شاهد این صحنه بودند به دفاع از مردم برخاستند و ضمن

سر دادن شعار علیه خامنه ای و خاتمی، با بسیجیها درگیر شدند. در این درگیری، دو تن از

بسیجیها به نامهای سیف الله کاوندی و عطاء الله منصور به

شدت مجروح شدند. جوانان در میان تشویق پر شور مردم، صحنه را ترک کردند و تلاشهای گسترده

رژیم آخوندی برای دستگیری آنان به جایی نرسید.

## قطع دست

روزنامه جمهوری اسلامی ۱۱ مرداد: حکم الهی در مورد یک سارق در محلات به اجرا در آمد حسن محمدیان فرزند جبار اهل خوزستان به اتهام سرقتهای متعدد، با حکم شعبه دوم دادگستری شهرستان محلات و تایید شعبه ۲۷ دیوانعالی کشور به قطع چهار انگشت دست راست و پس دادن اموال مسروقه محکوم گردید. حکم در ملا عام و حضور مسئولین قضایی و انتظامی به اجرا درآمد.

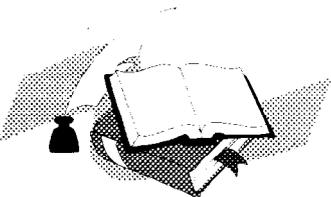
علت طولانی بودن و محدودیت صفحات نشریه. از چاپ آن معذوریم.

یزدانپناه از استرالیا، طی نامه ای خواستار نشریه نبرد خلق و چند کتابی که انتشار آن را در نبرد خلق اعلام کردیم، شده است. توجه دوستان را به این مطلب جلب می کنیم که برای دریافت کتابهای اعلام شده در نبرد خلق، که از انتشارات سازمان نمی باشد، به آدرسهای که در زیر آن درج شده مکاتبه کنند.

مهرداد از انگلیس، خواستار کتاب تداوم و نبرد خلق شده است که برایشان ارسال خواهد شد.

شهناز بیات، جویباری، م.ن و ارزانی پور، هزینه اشتراک و بیژن از اتریش، ۲۰۰ شلینگ کمک مالی رسید. از همه دوستان و خوانندگان نبرد خلق بابت مکاتبات و توجه و همکاریشان تشکر می کنیم.

### نامه ها و مطالب رسیده



مرتضی مزاکردی از آلمان، مطلبی برای نبرد خلق با عنوان «ماهیتی در پشت چراغ قرمز» ارسال نموده اند. نویسندگان مطلب ضمن برشماری جنایات رژیم در مورد سرکوب و قتل عام دانشجویان و مخالفان توسط رژیم، به نقش و موقعیت خاتمی در نجات رژیم می پردازد و می گوید: ... نه خاتمی و نه اربابان او می توانند سدی برای سیل خروشان اعتراضات و مبارزات مردمی باشند! چرا که بیست سال مسازره مردم ایران شکاف عمیق و اساسی در حاکمیت جمهوری اسلامی انداخته. چرا که بیست سال کشتار و بی حقوقی مطلق نتوانسته است مردم ایران را مرعوب خودش نگاه دارد. چرا که بیست سال حاکمیت پلیدی این رژیم ضدانسانی باعث گردیده است تا میلیونها نفر از ایران گریخته و با امید به یک زندگی مسالمت آمیز و بدون اجبار به خارج از ایران پناه ببرند! این نشان می دهد تا زمانی که عاملین تراژدی در سر کار و رأس جامعه باشند این روند نیز ادامه خواهد داشت. پس گام به گام برای براندازی نظام ننگین جمهوری اسلامی بکوشیم!

شهناز بیات از آلمان، مطلبی کوتاه برای نبرد خلق ارسال نموده است. نویسنده ضمن پرداختن به رویدادهای اخیر در ایران، می گوید: یکشنبه ۱۶ مرداد آخرین تارهای ریشه اصلاح طلبی در ایران توسط ولی مطلقه فقیه از بنیاد کنده شد. نمسه های اصلاح طلبی از ۲ خرداد ۷۶، که اساسا پوچ و بی معنی بود، عده ای را ناآگاهانه و خوش باورانه و عده ای را نیز که منافعشان در حفظ رژیم تنیده است، غرض آلود هم نوا کرده بود. ولی اکنون بعد از حمله های پیاپی جناح هار رژیم، از بستن مطبوعات خودی دوم خردادی و دستگیری روزنامه نگاران تا نظارت استصوابی بر نمایندگان مجلس و... تا دستور مستقیم خامنه ای به مجلس در روز یکشنبه ۱۶ مرداد، پرونده اصلاحات جمهوری اسلامی مختومه اعلام می شود. شهناز بیات در آخر می نویسد: امروز برای مردم غیور و رنج کشیده ایران راهی جز قیام مسلحانه و نجاتی جز ارتش آزادیبخش برای درهم کوبیدن و سرنگونی این استبداد مذهبی باقی نمانده است. پیروز باد رژیم فرمانان ارتش آزادیبخش / زنده باد آزادی / زنده باد سوسیالیسم!

رضامرادخانی مطلبی برای نبرد خلق ارسال نموده اند که ضمن مروری به اوضاع سیاسی در ایران، نوشته است که: ... چه بسا دانشجویهای جوانی که دست پرورده همین رژیم هستند و از صافیهای شوراهای اسلامی رژیم عبور کرده اند بهتر از کسانی که خود را روشنفکر و اپوزیسیون و دلسوز کشور و مردم می دانند چهره این دجال فریبکار و مرتجع (خاتمی) را شناخته اند و هر گاه که فرصت مناسبی رخ دهد نفرت خود را از رژیم و تمامی دسته بندیهای درونی آن به صورت جنبشی خلقی در گوشه و کنار کشور از رشت گرفته تا تهران و سرستان و ... نمایان می کنند. به راستی که گاری پوسیده و لنگان رژیم که بنیانگذارش خمینی دجال است در انتهای خیابان یک طرفه ای که به زباله دان تاریخ ختم می شود در حرکت است.

علی مهربان از آلمان، یک شعر در رابطه با حماسه سیاهکل برای نبرد خلق ارسال نموده است.  
کاوه پویان، شعری با عنوان «خردورز» برای نبرد خلق ارسال نموده است.  
حیدر اصلانی شعر زیبایی به نام «شکایت شاپرک قالی باف» برای نبرد خلق ارسال نموده است که متأسفانه به

**NABARD - E - KHALGH**  
Organ of the  
Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas  
Executive Editor: Zinat Mirhashemi  
Published by :  
NABARD CULTURAL ASSOCIATION  
**No : 183 22. Aug. 2000**

NABARD B.P. 20 91350 Grigny Cedex / FRANCE ***	NABARD Postbus 593 6700 AN Wageningen HOLLAND ***
NABARD P.O Box 10400 London N7 7HN ENGLAND ***	NABARD Postfach 102001 50460 Köln GERMANY ***
NABARD P.O Box : 710631 Herndon, VA 20171 U.S.A ***	NABARD Casella Postale 827 65100 Pescara ITALIA ***

E.Mail:  
nabard@club-internet.fr  
nabard@hotmail.com

صفحه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
در روی شبکه اینترنت  
[http:// www.fadaian.org](http://www.fadaian.org)

## جنگ خبر

### اخبار روز را در آدرس زیر بر روی اینترنت مطالعه کنید.

[http:// www.geocities.com/jong\\_khabar/jong\\_khabar](http://www.geocities.com/jong_khabar/jong_khabar)

اطلاعیه ها و اخبار را برای اطلاع دیگران به آدرس زیر ارسال کنید.

[jong\\_khabar@yahoo.com](mailto:jong_khabar@yahoo.com)

### انتشارات نبرد خلق و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

- ۱- تداوم (گفتگوی علی ناظر با مهدی سامع)
- ۲- جنبش پیشاتاز فدایی در آستانه قرن بیست و یکم (سخنرانی مهدی سامع در آمریکا و کانادا)
- ۳- تاریخ سی ساله سیاسی اثر بیژن جزئی
- ۴- چگونه مبارزه مسلحانه توده ای می شود اثر بیژن جزئی
- ۵- ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقا، اثر امیر پرویز پویان
- ۶- سرنگونی رژیم و ضرورت دولت موقت از مهدی سامع
- ۷- دموکراسی شرط اساسی انتقال قدرت به مردم
- ۸- طرحهای شورای ملی مقاومت
- ۹- پیرامون تعیین جنسی، مذهبی و ملی
- ۱۰- سنگر مقدم: لنینیم از منصور امان
- ۱۱- بیانیه اعلام برنامہ (هویت) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۱۲- منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۱۳- بحران در جنبش کمونیستی ایران، راه حل برون رفت از آن و نقش ما
- ۱۴- چه کسی بر سر دوراهی قرار گرفته است - برای ثبت در تاریخ، از مهدی سامع
- ۱۵- مجموعه مقالات از منصور امان
- ۱۶- زنان ایران در مبارزه برای برابری جنسی از زینت میرهاشمی
- ۱۷- سوسیالیسم و سندیکاها
- ۱۸- سوسیالیسم از عهد مارکس به بعد و جنبش بین المللی سندیکاها
- ۱۹- نویسنده: ماکس آدلر، مترجم: کریم قمیم
- ۲۰- گفتگو با مارگریت میچرلیش، مترجم: کریم قمیم

## ارس

### در شبکه جهانی اینترنت

<http://members.tripod.com/~ARAZ/index-1.html>

نبرد خلق را مطالعه کنید.

گفتگو و تبادل نظر زنده با دیگران

**نبرد خلق**  
ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
مدیر مسئول: زینت میرهاشمی  
چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید ست، خودداری نمی کند. مطالبی که با اهدافی افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان مطبوع، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام، بیان کننده نظر سازمان است.

برای تماس مستقیم با نبرد خلق و اشتراک آن، با آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD  
B.P 20  
91350 GRIGNY CEDEN FRANCE

Fax: USA 1-703 904 78 10  
Italia 39-085 802 23 56

**فرم اشتراک نبرد خلق**

Name : .....

Address : .....

**بهای اشتراک سالانه نبرد خلق**

۷۵ فرانک فرانسه	اروپا
۱۸ دلار آمریکا	آمریکا و کانادا
۷ فرانک فرانسه	تک شماره

**حساب بانکی سازمان**

نام بانک : SOCIETE GENERAL  
آدرس بانک : BOULOGNE - S - SEINE  
FRANCE

کد گیتته : 03760  
شماره حساب : 00050097851  
نام صاحب حساب : Mme. Talat R.T

## عملیات نظامی ستاد داخل کشور مجاهدین خلق ایران

عملیات تله گذاری

صبح روز دوشنبه ۲۴ مرداد، واحدهای عملیاتی مجاهدین به کمین و تله گذاری بر سر راه گشتیهای رژیم آخوندی در جاده صالح آباد - سرنی مبادرت کردند. ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور طی اطلاعیه ای اعلام کرد که «عملیات به نام مجاهد شهید غلامحسین مالی صورت گرفت که در ۲۵ خرداد گذشته با سه تن از همزمانش در مقابله با نیروهای نظامی و اطلاعاتی رژیم آخوندی در شمال شهر بده در داخل خاک عراق به شهادت رسیدند. در ادامه این اطلاعیه آمده است که در این عملیات شماری از مزدوران اطلاعاتی و نظامی دشمن، از جمله خسروتبار از فرماندهان انتظامی رژیم، از پای درآمدند.»

درگیری در منطقه دهلران در استان ایلام

در روزهای یکشنبه و دوشنبه ۹ و ۱۰ مرداد چندین رشته درگیری بین واحدهای عملیاتی مجاهدین و نیروهای ضربت لشکر سرکوبگر ۲۳ نوحه در منطقه دهلران در استان ایلام، به وقوع پیوست. ستاد فرماندهی مجاهدین خلق طی اطلاعیه ای اعلام کردند که در جریان درگیریهای گسترده واحدهای عملیاتی با قوای سرکوبگر دشمن که مجموعاً بیش از ۳۰ ساعت به طول انجامید. مجاهدان قهرمان جلال الدین هاشمی فرزند دلاور سروسنجان فارس و محمدعلی آبادیان فرزند قهرمان مردم بابل، به شهادت رسیدند.

نبرد قهرمانانه در مقابل یورش رژیم در منطقه موسیان در خاک عراق

نیروهای اعزامی وزارت اطلاعات، در حوالی ساعت ۵ صبح روز دوشنبه ۱۰ مرداد با پیشروی از نقاط و مسیرهای مختلف در منطقه مرزی موسیان در داخل خاک عراق، با حمایت آتش سنگین پشتیبان از داخل خاک ایران به قصد کنترل و محاصره و ضربه به مجاهدین حمله خود را آغاز کردند که با ضد حمله و نبرد قهرمانانه مجاهدین روبرو شد. در جریان درگیریهای این روز ۲ تن از مجاهدان قهرمان امین مکنونی اهل خوزستان و ایرج قیطاسی اهل کرمانشاه به شهادت رسیدند.

عملیات در شمال صالح آباد ایلام

ستاد فرماندهی مجاهدین طی اطلاعیه ای اعلام کرد که ساعت ۳ بامداد یکشنبه ۲۳ مرداد ماه، واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین، مقر نیروی انتظامی و مقر نیروهای لشکر ۱۶ زرهی تحت امر ولی فقیه در شمال صالح آباد را ۱۵ بار پیانی

با خمپاره های ۸۲ میلیمتری درهم کوبیدند. این عملیات بزرگ با نام و یاد مجاهد شهید مهدی عصابی فرزند غیور مردم تبریز انجام گرفت که روز ۲۵ خرداد گذشته با سه همزم قهرمانش در مقابله با نیروهای اطلاعات، انتظامی و ارتش تحت امر ولی فقیه که برای ضربه زدن به مجاهدین وارد خاک عراق شده بودند، در شمال شهر عراقی بده به شهادت رسید.

عملیات حبیب

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور در روز ۳۰ مرداد اعلام کرد که: «واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین مقر گردان ۷۸۱ از لشکر سرکوبگر نوحه را در شمال شهر دهلران، با آتش سنگین خمپاره های ۱۲۰ میلیمتری در هم کوبیدند. علاوه بر این، یگان ادوات مستقر در این منطقه نیز با هما تجهیزاتی و تسلیحاتش خمپاره باران گردید.»

این تهاجم دلیرانه در پاسخ به حمله تروریستی رژیم در بامداد جمعه ۲۸ مرداد به قرارگاه حبیب متعلق به ارتش آزادیبخش ملی ایران صورت گرفته است.

عملیات مجاهد شهید مژگان زاهدی

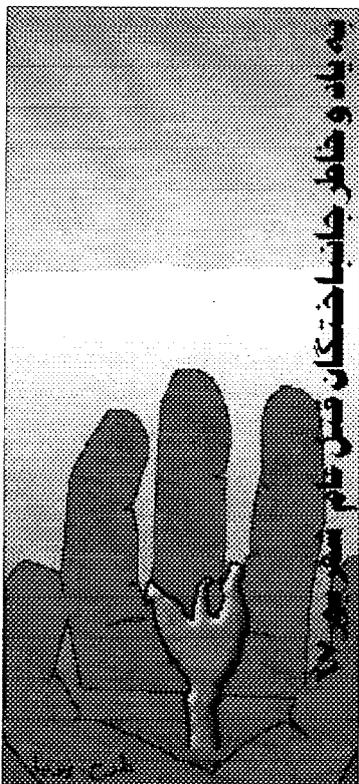
ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور طی اطلاعیه ای اعلام کرد که: روز یکشنبه ۳۰ مرداد، واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین، یادگان حسین آباد، محل استقرار نیروهای لشکر ۱۶ زرهی ارتش تحت امر ولی فقیه در شرق شهر مهران را با آتش سنگین خمپاره های ۱۲۰ میلیمتری ۱۰ بار پیانی در هم کوبیدند. این عملیات به یاد و نام مجاهد قهرمان خلق، شهید مژگان زاهدی که در روز جمعه ۲۸ مرداد در جوانی کرمانشاه به دست قوای سرکوبگر رژیم به شهادت رسید صورت گرفته است.

عملیات مجاهد شهید منیره اکبری

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور در روز یکشنبه ۳۰ مرداد اعلام کرد که: «واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین، مقر فرماندهی تیپ سوم لشکر سرکوبگر ۱۶ زرهی تحت امر ولی فقیه در جنوب صالح آباد ایلام را با موشکهای ۱۲۲ میلیمتری کاتیوشا درهم کوبیدند. این عملیات دلیرانه به یاد و نام مجاهد قهرمان شهید منیره اکبری که در روز جمعه ۲۸ مرداد در جوانی کرمانشاه به شهادت رسید صورت گرفته است.»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران یاد و خاطره مجاهدان شهید جلال الدین هاشمی، محمدعلی آبادیان، امین مکنونی، ایرج قیطاسی، مژگان زاهدی و منیره اکبری که در عملیات و درگیریهای اخیر به شهادت رسیدند را گرامی می دارد و شهادت آنان را به خانواده و همزمان و دوستانشان تسلیت می گوید.

## به یاد و خاطره جانبازان کتل عام تابستان ۶۷



## ایران نبرد آدرس جدید نبرد خلق در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

### شهادت فدایی شهریور ماه

در برابر تندری می ایستند خانه را روشن می کنند و می میرند

- رفقای فدایی: یعقوب (امیر) تقدیری - ایرج سپهری - علی میرشکاری - انور اعظمی - محمود باباعالی - اعظم السادات روحی آهنگران - حسن سعادت - پروین فاطمی - طهمورث اکبری - محمد و احسن ناهید - محمد مجیدی - حمید رضا مالکی - احمد صادقی - محمدتقی برومند - بهنام رهبر - بهمن رهبر - محمدرضا فریدی - سعیده کریخان - پرویز داوری - غلامحسین بیگی - حسن صالحی - علی رضا شاد بابایی - ناصر فتوتی - محمد سیاسی - حمیدرضا ماهیگیر - عباس کبابلی - جواد کارشی - نادره نوری - علیرضا پناهی - قاسم معروفی - ابوبکر آرمان - هوشنگ احمدی - رشید یزدان پناه - (سمکو) - بیژن جنتی - مرتضی خدامرادی - مصطفی شمس الدینی - قاسم سیدباقری - عزیز عبدالرضا غفوری - محمد محمد رحیمی - تمدن - اصغر جعفری جزایری - خسرو مبارکی - سعید رهبری - علیرضا یراق چی - محمدرضا ستوده - احمدرضا شعاعی - مهدی سمیعی - ابوالفضل غزال ایاق - رشید آهنگری - محمد تمدن - جمشید میرحیدری - یونس رضائی - جلال فتاحی - محمدعلی ابرندی - سیاوش حسونند - ایرج سلیمانی. از سال ۱۳۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و به وسیله مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.